

## دستگیری یک گروه مخالف جمهوری اسلامی در مازندران

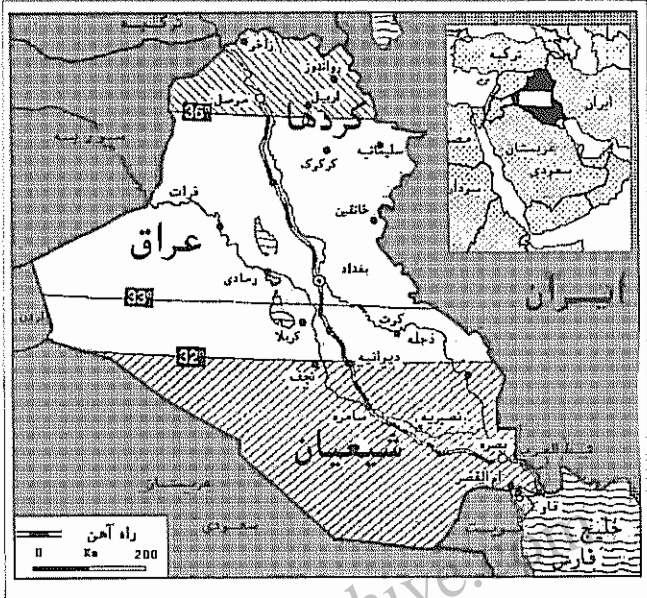
مقامات امنیتی جمهوری اسلامی اعلام کردند که اعضای یک گروه مخالف رژیم به نام «کاوه» را در استان مازندران دستگیر کرده‌اند. نیاز، مدیر کل اطلاعات استان مازندران روز ۵ شهریور ماه گفت اعضای گروه کاوه در شهرهای ایسن استان شبنامه‌ها و اطلاعاتی علیه آیت‌الله خمینی و متولیان حکومت پخش کرده و مردم را به «قیام علیه جمهوری اسلامی» فرا خوانده‌اند. به گفته مدیر کل اطلاعات استان مازندران، کلیه اعضای این گروه در شهرهای ساری، بابل و آمل، در عملیاتی هماهنگ شناسایی و دستگیر شده‌اند. نحوه دستگیری این گروه، تعداد دستگیر شدگان و مشخصات و دستگیری آنان، نام و مشخصات و محل بازداشت اعضای این گروه اعلام نشده است.

مقامات امنیتی رژیم هیچ گونه اطلاعاتی در مورد برنامه، اهداف و خواسته‌های این گروه در اختیار روزنامه‌ها نگذاشته‌اند و تنها آن‌ها را به «فعالیت ضدانقلابی» متهم بقیه در صفحه ۳

## گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس

تتش میان واشنگتن و بغداد هفته گذشته ابعاد تازه‌ای یافت. دولت آمریکا همزمان با اعلام آمادگی به نیروهای نظامی خود در منطقه، با استقرار چند سبب‌افکن در کویت و اعزام یک ناو هواپیمابر جدید به تقویت آنان پرداخت. بیل کلینتون اعلام کرد آمریکا هم‌چنان قصد دارد از پرواز هواپیماهای عراق در منطقه ممنوعه جلوگیری کند. این منطقه که بعد از جنگ عراق و کویت و حمله آمریکا به عراق در سال ۹۱ ایجاد شد، شامل بالای مدار ۳۶ درجه در شمال و زیر ۳۲ درجه در جنوب عراق است. بر منطقه ممنوعه در شمال عراق، آمریکا، فرانسه و بریتانیا نظارت دارند. صدام حسین دو هفته پیش، پس از آن که آمریکا حوالی بغداد و جنوب عراق را در دو روز متوالی با ۴۴ موشک هدایت‌شونده «تام هاوک» هدف قرار داد، اعلام کرد عراق منطقه ممنوعه را قبول ندارد و از این پس هر هواپیمای بیگانه‌ای وار حریم هوایی این کشور شود، هدف قرار خواهد گرفت. صدام حسین به پدافند هوایی ارتش دستور داد به هر هواپیمایی که وارد آسمان عراق شود، شلیک کنند. روزهای دوشنبه ۲۱ شهریور و چهارشنبه ۲۳ شهریور چند موشک «سسام» عراقی به سوی

- ناوهای هواپیمابر آمریکا با ده‌ها جنگنده بمب افکن وارد خلیج فارس شدند
- شش کشور عربی حوزه خلیج فارس مانور نظامی اجرامی کنند
- جنگنده‌های اف - ۱۶ آمریکا که وارد حریم هوایی عراق شده بودند، شلیک شد و چند میگ عراقی برخلاف بقیه در صفحه ۲



راه آهن ۲۰۰ کیلومتر

## از آن روزهای تلخ...

گوشه‌هایی از رنج و درد همسر یکی از زندگان فدایی که در اعدام‌های سال ۶۷ جان باخت صفحه ۷

## بیانیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیرامون حمله موشکی آمریکا به عراق

صفحه ۳

## بر اثر جنگ صدها هزار کرد عراقی به سوی مرزهای ایران سرازیر شدند

بیش از ۸۰۰ هزار نفر خانه‌های خود را ترک کرده‌اند  
مردم کردستان از انتقام جویی صدام حسین بیمناک هستند

در پی هجوم پارتیزانهای حزب دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی و ارتش ۴۰ هزار نفری عراق به شهرهای کردشین شمال این کشور که در اختیار نیروهای جبهه میهنی به

انتقام جویی‌های صدام حسین به امید یافتن جان‌پناه به سوی مرزهای ایران که شمار افرادی که در کردستان تاکنون بر اثر جنگ در کردستان خانه‌های خود را ترک کرده‌اند، بیش از ۸۰۰ هزار نفر است. اجساد کشته‌شدگان که عموماً زنان، کودکان و سالخورده‌گان می‌باشند و بر اثر اصابت گلوله تانک‌ها و توپخانه ارتش به

## تشنج به سود مردم منطقه نیست

با انتقال هواپیماهای اف - ۱۱۷ آمریکا به کویت، بحرانی که با بالا گرفتن جنگ در کردستان عراق آغاز شد، ابعاد منطقه‌ای به خود گرفته است. بغداد از «اعلام جنگ» کویت به عراق سخن می‌گوید، و ناظران معتقدند در این هفته، آمریکا مانند دو هفته پیش، اهدافی در عراق را مورد حمله قرار خواهد داد. صدام حسین گفته است که منطقه «پرواز ممنوع» را که در شمال و جنوب عراق توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام شده و اخیراً از سمت جنوب، از جانب دولت آمریکا بدون نظر سازمان ملل، یک درجه عرض جغرافیایی، یعنی بیش از صد کیلومتر دیگر به سمت شمال گسترش یافته است و تا نزدیکی بغداد را در بر می‌گیرد، به رسمیت نمی‌شناسد. منابع دولت عراق مرتب خبر می‌دهند که به سمت هواپیماهای آمریکایی شلیک کرده‌اند. به نظر می‌رسد عراق خود را در هر دو حالت برنده می‌بیند: اگر آمریکا تیش زدن‌های فسد هوایی عراق را بی‌پاسخ بگذارد، رژیم صدام حسین به عنوان نیرویی که بزرگترین قدرت نظامی جهان را آچمز کرده است، می‌تواند بر موج دیگری از تبلیغات ناسیونالیستی عربی سوار شود و به همه نشان دهد که نه تنها حاکمیت خود را بر شمال عراق احیا کرده، بلکه توانسته است بی‌اعتباری ممنوعیت پروازهای نیروی هوایی خود را نیز به کرسی بنشاند. شاید حتی بخت با ضد هوایی عراق یاری کند و عراقی‌ها بتوانند یک هواپیمای آمریکایی را به زیر کشند. بی‌شک منظره یک خلبان آمریکایی اسیر در دست عراق، ضربه‌ای کاری به چشم‌انداز انتخاباتی کلینتون خواهد بود. اگر روال بحران در عراق به گونه‌ای پیش رود که کلینتون در انتخابات شکست بخورد، وی دومین رئیس جمهور آمریکا خواهد بود که پس از جنگ کویت، زودتر از انتظار عمومی از قدرت کنار خواهد رفت و در دوره زمامداری خود، برکناری صدام را نخواهد دید.

در حالت دوم، یعنی افزایش حملات آمریکا به عراق نیز صدام حسین چیزی زیادی از دست نخواهد داد. تجربه شش سال اخیر نشان داده است که چیزی که برای صدام کمترین اهمیت و بر سر نوشت حکومت او کمترین تأثیر را دارد، رنج و مصیبت مردم عراق است. ابعاد حملات آتی آمریکا به عراق، قابل مقایسه با جنگ کویت نخواهد بود. حتی با آن موج سنگین قتل و کشتار که آتش‌باری هواپیماهای غربی بر سر مردم عراق آورد نیز پایه‌های حکومت صدام سست نشد، در حالی که در آن زمان، اپوزیسیون عراق در شمال و جنوب این کشور در موقعیت تهاجمی قرار داشت. اینک به دنبال همکاری حزب دمکرات کردستان عراق با حکومت بغداد، مخالفان صدام حسین در موقعیت ضعیفی قرار گرفته‌اند. در نتیجه، حملات آتی آمریکا به عراق باز هم بیشتر به سود دولت صدام حسین تمام خواهد شد که قطعاً خواهد کوشید از تلفات و خسارات وارده به غیر نظامیان به سود خود بهره‌گیرد.

ادامه تشنج و تشدید آن، به سود هیچ یک از ملت‌های منطقه نیست. ادامه این تنش‌ها، به طور قطع افزایش حضور نظامی آمریکا در خلیج بقیه در صفحه ۳

## محاکمه مدیر مسئول ماهنامه آدینه

۱۳ تن از نویسندگان و شاعران بازداشت شدند.

رای دادگاه تجدیدنظر در مورد مدیر مسئول هفته نامه بهمن همزمان با محاکمه مدیر مسئول آدینه، رای دادگاه تجدیدنظر در مورد مدیر مسئول هفته نامه بهمن اعلام شد. در حکم دادگاه تجدیدنظر آمده است: در خصوص اتهام افتر، دادگاه تجدیدنظر اتهام متهم در این خصوص را محرز دانسته و جزای نقدی صادره از سوی دادگاه بدوی را در مورد آقای مهاجرانی عیناً تأیید می‌نماید، ولی حکم صادره در خصوص محرومیت یکساله از مشاغل مطبوعاتی را با توجه به نظر هیئت منصفه مطبوعات مبنی بر تخفیف مجازات متهم، نقض می‌کند.

دستگیری ۱۳ تن از نویسندگان و شاعران حزب ملت ایران گزارش داد که ۱۳ تن از نویسندگان و شاعران ایران توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شدند. آنها سرگرم تهیه و بررسی اسامنامه کانون نویسندگان ایران بودند. مامورین شاعران و نویسندگان را تا ساعت ۳ نیمه شب همان روز در بازداشتگاه نگه داشتند.

مدیر مسئول ماهنامه آدینه نیز به پای میز محاکمه کشیده شد. دادگاه مطبوعات غلامحسین ذاکری مدیر مسئول این نشریه را به اتهام «نشر اکاذیب» محاکمه کرد.

در این دادگاه که در شعبه ۳۴ دادگاه عمومی تهران در مجمع قضایی ویژه برگزار شد، شکایت سازمان سنجش از ماهنامه آدینه مورد بررسی قرار گرفت. نماینده حقوقی این سازمان در باره شکایت خود گفت: در آبانماه سال ۷۲ در مقاله با عنوان «آزادی علمی» نسبت به آموزش عالی و سازمان سنجش انتقاد شده است. غلامحسین ذاکری در دفاع از خود اظهار داشت: این مقاله توسط یکی از استادان با سابقه دانشگاه نوشته شده بود و ضمن انتقاد راه‌حلی را به آموزش عالی ارائه کرده بود. او اضافه نمود که انتشار انتقاد از سازمان‌ها وظیفه مطبوعات است.

در پایان جلسه دادگاه، هیئت منصفه برای تصمیم‌گیری در باره پرونده وارد شور شد. هنوز اطلاع از تصمیم‌گیری دادگاه در دست نیست.

**در این شماره**

**اقتدارگرایی دینی**  
مبادلات دینی و قدرت در ایران امروز  
در صفحه ۸

**تنها «رهبر» اختیار و دستور ترور را دارد**  
مصاحبه روزنامه فرانکفورتر روند شواو با ابوالحسن بنی‌صدر  
در صفحه ۱۱

**جوایز جشنواره ونیز در اروپا مانندند**  
در صفحه ۶

**گزارش سازمان ملل متحد خشونت علیه زنان**  
در صفحه ۹

**شاهدی که بنی‌صدر معرفی کرده بود، در مقر دادستانی آلمان حاضر شد**

روز پنجشنبه هفته گذشته (۱۲) سپتامبر برابر با ۲۲ شهریور، یکی از شهرودی که بنی‌صدر در دادگاه برلین به اظهارت وی در مورد نحوه سازماندهی و هدایت عملیات تروریستی رژیم در خارج استناد کرده بود، در مقر دادستانی فدرال آلمان در کارلسروه حضور یافت و به سوالات دادستانی پاسخ داد. بنی‌صدر گفته بود که این فرد، اطلاعات دست اول درباره دخالت عالی‌ترین مقامات جمهوری اسلامی و به ویژه خامنه‌ای و رفسنجانی در ترور برلین دارد. سخنگوی دادستانی آلمان گفته است از این شاهد در چارچوب تحقیقات علیه علی فلاحیان بازجویی به عمل آمده است. در آلمان به علت دخالت فلاحیان در ترور برلین، علیه وی یک قرار بازداشت صادر شده است. از سوی دیگر، فریتوف کوبش رئیس دادگاه برلین، تلاش‌های بقیه در صفحه ۳



## آینده نامعلوم رفسنجان

علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی، احتمال تکرار دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی را رد کرد و در دیدار با وی و اعضای کابینه‌اش، تأکید کرد که از عمر دولت کنونی تنها یک سال باقی مانده است. خامنه‌ای خطاب به رفسنجانی و کابینه‌اش خاطر نشان کرد: فکر نکنید که چون سال آخر خدمت شمامست و رفتنی هستید، در کارتان سست شوید.

همزمان با این سخنان روزنامه اخبار خیر داد که جامعه روحانیت مبارز که عمده‌ترین جریان حکومت اسلامی در شمار می‌آید، در مورد معرفی ناطق نوری به عنوان نامزد این جامعه برای دوره آینده ریاست جمهوری، تصمیم قطعی خود را گرفته است. این تصمیم در غیاب رفسنجانی که در آفریقا به سر می‌برد، گرفته شده است. به نوشته روزنامه اخبار جامعه روحانیت مبارز هنوز زمان را برای اعلام تصمیم نهایی خود مناسب نمی‌داند و منتظر بازگشت رفسنجانی و جلب موافقت احتمالی اوست. جامعه روحانیت مبارز می‌خواهد به این ترتیب و انمود سازد که تصمیم‌اش، مورد حمایت رفسنجانی نیز قرار دارد. پیش از آن، یازده تشکیل وابسته به جامعه روحانیت مبارز، در مورد معرفی ناطق نوری به عنوان نامزد ریاست جمهوری آینده به توافق رسیده و منتظر تصمیم نهایی این جامعه بودند. اکنون با تصمیم جامعه روحانیت و تأکید مجدد خامنه‌ای بر پایان عمر دولت رفسنجانی، به نظر می‌رسد که جناح حاکم، سیاست خود برای انتخابات ریاست جمهوری آتی را یک دست کرده و قطعیت بخشیده است.

این در حالی است که در جناح‌های رقیب و مخالف، هنوز تصمیم روشنی برای تعیین نامزد ریاست جمهوری گرفته نشده است. طرفداران رفسنجانی، که در انتخابات مجلس به نام گروه کارگزاران شرکت کردند، امید خود را به امکان تمدید ریاست جمهوری رفسنجانی برای سومین بار از دست نداده‌اند و می‌کوشند با پیش کشیدن امکان تغییر قانون اساسی، راه را برای ادامه ریاست رفسنجانی باز کنند. این امید در شرایط فعلی که جناح حاکم با ادامه ریاست رفسنجانی مخالف است، شانس موفقیت چندانی

بقیه از صفحه اول

فارس را به دنبال خواهد داشت، چه کلبتون در انتخابات آتی برنده شود و چه یک رئیس جمهور از حزب جمهوریخواه به جای او بنشیند. در حالت دوم حتی باید انتظار داشت که دست‌اندازی آمریکا به منطقه نفت‌خیز خاورمیانه، گستاخانه‌تر و قلدربانه‌تر صورت گیرد. همچنین ادامه تشنج، چشم‌انداز تداوم حکومت صدام حسین را محتمل‌تر خواهد کرد که برای مردم عراق، چه عرب و چه کرد، چه سنی و چه شیعه، به معنای چیزی جز ادامه رنج و محنت نیست.

تشدید بحران از سوی دیگر به رژیم‌های ترکیه و ایران نیز امکان خواهد داد حضور سرکوبگرانه خود را در کردستان افزایش دهند. ترکیه می‌خواهد با سرمشی گرفتن از اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل، در شمال عراق یک "نوار امنیتی" ایجاد کند تا امکان تحرک چریک‌های حزب کارگران کردستان محدود شود. جمهوری اسلامی که خود با قشون‌کشی تاپستان اسمایل به شمال عراق و همدستی با اتحادیه میهنی جلال طالبانی، زمینه‌ساز روی آوردن حزب دمکرات پارزانی به بغداد و ایجاد بحران اخیر شد، بی‌شک کماکان خواهد کوشید از آب گل‌آلود در شمال عراق ماهی بگیرد و اگر بتواند، مانند ترکیه و یا حداقل به طور ضمنی در کردستان یک "نوار امنیتی" مخصوص به خود ایجاد کند.

تشنج در منطقه گرچه با موضع دولت عراق در اواخر هفته گذشته مبنی بر عدم حمله به هواپیماهای آمریکایی کاهش یافته است، اما زمینه‌های آن از بین نرفته‌اند. مجموعه عواملی که صحنه فعلی را در منطقه ساخته است، نشان می‌دهد که تنها راه برون رفت از این بحران، توقف کلیه عملیات نظامی آمریکا و فعال شدن جامعه بین‌المللی در عرصه سیاسی است. متأسفانه بی‌تفاوت ماندن جامعه بین‌المللی به سرونش مردم کردستان است که باعث شده است حکومت ائتلافی خودمختار در کردستان عراق با انبوهی از مشکلات اقتصادی و در محاصره رژیم‌های ضدکرد، تنها بماند و در نهایت، رهبران کرد، ناپردانه روی زد و بند با رژیم‌هایی مانند جمهوری اسلامی و حکومت عراق حساب باز کنند.

آمریکا علناً می‌گوید علاقه‌ای به سرونش کردها ندارد و تنها برای دفاع از حکومت‌های کویت و عربستان سعودی اهمیت قائل است. این واقعیت را رهبران کرد باید ظرف شش سال گذشته، بدون اینکه نیازی به اعلام آن از سوی واشنگتن باشد، دریافته باشند. آنها همچنین باید بدانند که رژیم‌های بغداد و تهران، دوستان مردم کرد نیستند. سازمان ما، حزب دمکرات و اتحادیه میهنی کردستان عراق را به ترک محاصره و حل و فصل اختلافات خود از طریق مذاکره فرا خوانده است. هرکس که در قبال سرونش خلق کرد و ملل منطقه کوچکترین احساس مسئولیتی دارد، باید این دو جریان را به حل اختلافات از طریق مذاکره فراخواند. جانبداری از یکی از دو نیروی وجودی کردستان عراق در این موقعیت، مشکلی را حل نمی‌کند. هیچ یک از این دو نیرو نخواهد توانست دیگری را از صحنه سیاسی کردستان حذف کند. حتی اگر به کمک یکی از رژیم‌های منطقه موفق شود چند ماه یا حتی چند سال، به طور پلان‌ناز در کردستان عراق عمل کند.

## بیانیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## پیرامون حمله موشکی آمریکا به عراق

بهانه‌ی تثبیت باز هم بیشتر و توجیهی حضور نظامی خود در منطقه‌ی خلیج فارس کرده‌است. این کار به‌ویژه قبل از انتخابات برای کلبتون ضروری تشخیص داده شده‌است. سیاست دولت کلبتون در برخورد با مسأله‌ی کرد، به‌ویژه در قبال مسائل کردستان عراق بسیار سؤال برانگیز است. استقرار یک دولت محلی کرد با اختیارات معین در چهار چوب عراق و شناسایی بین‌المللی خواسته مشترک و اعلام شده‌ی هر دو حزب عمده‌ی کردستان عراق است. اما برای رسیدن به این هدف اکنون پایان محاصره‌ی خونین میان این دو حزب مقدم بر همه چیز است.

اشتی این دو حزب و حل صلح‌آمیز مسأله‌ی قدرت در کردستان عراق دشوارتر از حل محاصرات ملی در بوسنی و بی‌علاج‌تر از زخم‌های چرکین و خون چکان میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها نیست و شورای امنیت این امکان را که دو رهبر کرد را پشت میز مذاکره بنشانند و قشون‌کشی به کردستان را، نه فقط توسط عراق، که توسط ایران و ترکیه نیز قطعاً ممنوع کند، دارد. اما رفتار آمریکا در قبال کردستان عراق این شک را تقویت می‌کند که وزارت امور خارجه‌ی آمریکا هنوز بر این موضع نیست که زمان قطع خونریزی در کردستان فرارسیده است. شواهد نشان می‌دهند که آمریکا همچنان بر این اعتقاد است که پیچیدگی اوضاع در کردستان هنوز می‌تواند وسیله‌ی یازی یا صدام‌حسین و پیشبرد یک سیاست نفتی‌نظامی موقوق و سودبخش در منطقه‌ی خلیج فارس باقی بماند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این نظر است که علی‌رغم تأثیر بسیار نیرومند و متناقض عامل بین‌المللی در مسائل کردستان، نیروهای کرد می‌توانند و باید خود مسئولیت صلح با یکدیگر و نجات مردم مصیبت‌زده‌ی کرد را بر عهده گیرند.

متأسفانه سنت و حتی اعتقاد در ناک در میان تقریباً همه‌ی احزاب کرد این بوده است که آنها قادر نیستند بدون جلب حمایت دست کم یکی از دولت‌های ایران، ترکیه و یا عراق برای کسب حقوق ملی از دولت حاکم بر کشور خود موفقیت قطعی بدست آورند. اما واقعیت مهم‌تر و مقدم این است که آن‌ها اگر به صلح با یکدیگر دست نیابند و به مردم حق رای توفیق نکنند و به نتایج یک انتخابات آزاد تن ندهند محکوم و مجبورند که تا ابد آلت دست این دولت‌ها باقی بمانند و جنایت کردکشی را خود به‌جای آنان به پیش برند.

بسیار بعید است که آقای بارزانی باور داشته باشد تا آنکه صدام‌حسین نه تنها برای کشتار مردم کردستان، بلکه مثلاً برای میانجیگری و پاسداری از صلح در کردستان نیز ممکن است بکار گرفته شوند. هم‌چنین دشوار است آقای طالبانی مداخلات دولت ایران، که تا همین دو سه سال پیش بیشتر حامی آقای بارزانی و علیه نام‌برده بود را، در راستای صلح و منافع مردم کرد ارزیابی کند.

قطعاً امکانات این رهبران کرد برای تفاهم با یکدیگر در راستای منافع مردمشان به‌مراتب بیشتر از امکاناتشان برای تفاهم با دولت‌های ایران و عراق و یا آمریکا و انگلیس می‌باشد. ما عمیقاً نگران آن هستیم که تأخیر در درک این نکته توسط رهبران کرد، تنها به قیمت خون‌های بسیار از مردم کردستان عراق شود.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بار دیگر مخالفت صریح خود را با سیاست ایالات متحده آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس اعلام و بهره‌گیری غیر بشردوستانه‌ی این دولت و دولت‌های منطقه را از مسأله‌ی کرد، برای پیشبرد مطامع ملی‌گرایانه محکوم می‌کند. شورای مرکزی همچنین نقش جمهوری اسلامی ایران در تحولات شمال عراق، از راه‌اندازی دسته‌های مزدور «حزب‌الله» گرفته تا حمایت همه‌جانبه از جناب طالبانی، که در ایران سرسختی و امتناع او از روش‌های مسالمت جویانه برای حل مسأله مؤثر بوده‌است، نقشی مخرب و علیه منافع مردم کردستان عراق ارزیابی می‌کند. شورای مرکزی به‌ویژه از رهبران کرد طلب می‌کند که همه‌ی همت خویش را به کار گیرند که ملت کرد موفق شود با کم‌ترین مداخله و مصیبت به خواسته‌ی خویش دست یابد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شاهدی‌که بنی‌صدر...

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی برای اعمال نفوذ بر روند محاکمه می‌کونوس را محکوم کرد. این قاضی آلمانی هفته گذشته گفت تهران برای اعمال نفوذ بر رأی دادگاه به ائتلاف وقت متوسل شده است، و افزود دادگاه تسلیم این تاکتیک نخواهد شد. اظهارات کوبش، در ارتباط با تلاش مجدد جمهوری اسلامی برای انجام یک بازپرسی از یک "شاهد" در سفارت آلمان در تهران است. قرار بود این "شاهد" که می‌خواهد به نفع کاظم داریابی مأمور دستگیر شده وزارت اطلاعات رژیم شاهت پدهد، اواخر مردادماه در سفارت آلمان در تهران حاضر شود. اما وی بدون عذر موجه، در موعد مقرر در سفارت حاضر نشد و بعداً ادعا کرد که او را به سفارت راه نداده‌اند.

ایالات متحده‌ی آمریکا طی روزهای سوم و چهارم سپتامبر از طریق زمین و دریا ۲۷ موشک کروز به سوی عراق شلیک کرده است. این عملیات به مرگ عده‌ای بی‌گناه منجر شده و خسارات بسیاری بر جای گذاشته‌اند. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، پس از بررسی جوانب مختلف اقدام آمریکا، اکنون موضع خود را پیرامون آن اعلام می‌دارد. رئیس جمهور، آمریکا آقای کلبتون، مدعی است هدف از شلیک موشک‌ها تنبیه صدام‌حسین بوده است؛ اما قربانیان این موشک‌باران مردم عراق بوده‌اند. این موشک‌باران نه تنها ناقض همه‌ی قوانین بین‌المللی است بلکه ناقض تمام قطعنامه‌های شورای امنیت پیرامون عراق نیز هست. کلبتون مدعی است که حملات موشکی به تلافی حمله‌ی صدام‌حسین به مناطق کردنشین بوده و مطابق قطعنامه‌ی شورای امنیت است. این توجیه پوچ و غیر قابل قبول است. ارتش عراق در درگیری میان حاکم‌کرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی، البته به سود بارزانی، مداخله‌ی نظامی کرده‌است؛ اما این مداخله‌ی نظامی به درخواست مسعود بارزانی بوده و به اشغال مناطق تازه توسط ارتش عراق منجر نشد‌است.

از سوی دیگر اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق نیز در مقابله‌ی با حزب دموکرات کردستان عراق از دولت جمهوری اسلامی ایران طلب حمایت کرده‌است. مداخله‌ی ایران به سود یک طرف بر هیچ‌کس پوشیده نیست. این که علی‌رغم روابط خصمانه میان دولت‌های ایران و آمریکا، کلبتون نسبت به مداخلات نظامی ایران در کردستان عراق چشم فرو بسته یا به قشون‌کشی گستردی دولت ترکیه و استقرار آن در بخشی از خاک کردستان عراق کوچک‌ترین اعتراضی نکرده‌است به روشنی نشان می‌دهد که هدف آمریکا جلوگیری از مداخله‌ی نظامی قدرت‌های غیرکرد در امور کردستان عراق نیست.

پلطان ادعا و توجیه آمریکا این سوال را پیش می‌کشد که پس هدف از حملات موشکی سبانه چه بوده‌است؟

بسیاری از محافل سیاسی در کشورهای مختلف معتقدند که جنجال بیش از حد آمریکا برای تقویت موقعیت کلبتون در انتخابات ریاست جمهوری است که قرار است دو ماه دیگر برگزار شود. این تفسیر فقط وجهی از واقعیت را بازتاب می‌دهد. دولت آمریکا در بحبوحه‌ی حملات موشکی حدشمالی ۳۴ درجه به مدار ۲۲ درجه، یعنی تا حومه‌ی عراق فرسایده است. در عین حال قرار سازمان ملل در مورد اجازه عراق به فروش ۲ میلیون تن نفت در سال برای تأمین ارز برای واردات مواد غذایی و دارو نیز زیر فشار آمریکا به تعویق افتاده و به حال تعلیق در آمده‌است. به علاوه، نکته‌ی مهم این که، بنا به دلایل و شواهد بسیاری از جمله اظهارات آقای جلال طالبانی در فردای حمله‌ی ارتش عراق به شهر اربیل، و نیز خبر وزارت امور خارجه‌ی آمریکا از پاره‌ای از تحولات نظامی عراق در اطراف مدار ۳۶ درجه یک هفته پیش از حمله‌ی عراق دولت آمریکا پیشاپیش از طرح حمله‌ی مذکور مطلع بوده و با ملاحظه‌ی یکی از اهداف عمده‌ی آن، که کاستن از نفوذ ایران در منطقه بوده، بطور ضمنی با آن موافقت نیز داشته است.

از این قرار، اقدامات پیشگفته‌ی آمریکا کم‌ترین ربطی با محدود کردن قدرت نظامی رژیم عراق در مقابله با کردها ندارد. این اقدامات معنای سیاسی و نظامی دیگری دارند. معنای این اقدامات کنترل بیشتر بازار نفت و تأمین حضور مؤثرتر نظامی در حساس‌ترین و غنی‌ترین منطقه‌ی نفت خیز جهان از سوی، و مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه از سوی دیگر است. بیهوده نیست که تنها دولت انگلیس در حمایت از موشک پرانی آمریکا سنگ تمام گذاشته است. انگلیس و آمریکا دو دولت ذینفوذ و صاحب سهم عمده در تولید و بازار نفت در خلیج فارس‌اند و هر اقدامی که تقویت حضور نظامی و کنترل بیشتر آن‌ها بر این منطقه را تأمین کند مورد استقبال آن‌هاست. این نگرانی آمریکا از تشدید خصومت و خونریزی در کردستان عراق نیست که موجب شلیک موشک‌های کروز به جنوب عراق شده‌است؛ این فرصت‌طلبی نظامی حاکم بر سیاست آمریکاست که مداخله‌ی نظامی بدنام‌ترین دولت منطقه در جنایت علیه مردم کشور خود و در درگیری میان نیروهای کردی را

## گسترش حضور نظامی آمریکا...

بقیه از صفحه اول

تأیید خیر، اعلام کرد که به جگنده‌های آمریکا آسیبی نرسیده و پدافند هوایی عراق بی‌هدف شلیک کرده است. آمریکا برای آن نشان دهد تا چه اندازه در نظارت بر کنترل منطقه «پرواز ممنوع» قاطع است، روز پنج‌شنبه به تقویت نیروهای خود در خلیج فارس پرداخت. کلبتون به نام هوایمبار «انترپرایس» که بیش از ۳۰ جگنده بمبافکن بر عرشه دارد، دستور داد اقیانوس اطلس را ترک کند و به ناو هوایمبار «کارل وینسون» در آبهای خلیج فارس مستقر است، بیوندد. به دستور پنتاگون ساعات پرواز هواپیماهای شناسایی «اواکس» افزایش یافت، بمبافکن‌های غول‌پیکر

«ب ۵۲» در جزیره «دی‌ه‌گوارسیا» در اقیانوس هند که به موشک‌های هدایت شونده مجهز هستند به حال آماده‌باش درآمدند. ۸ بمبافکن جدید از نوع «اف ۱۱۷» که به هواپیماهای شکاری نامریی شهرت دارند و هیچ راداری قادر به شناسایی و ردیابی آنها نیست، در پایگاه نظامی «الجبار» در خاک کویت به زمین نشستند. سکوهای پرتاب موشک‌های ضدهوایی «پاتریوت» نیز به سوی خلیج فارس عازم هستند، با این موشک‌ها، پدافند هوایی اسرائیل و عربستان سعودی توانستند در جنگ خلیج فارس در سال ۹۱، موشک‌های میان‌برد «اسکاد» عراقی را که از بغداد به سوی شان شلیک می‌شد، ساقط کنند.

بقیه از صفحه اول

ساخته‌اند و گفته‌اند که اعضای این گروه قصد تخریب و انفجار مراکز اقتصادی در شهرهای استان مازندران را داشته‌اند. جرایمی که مقامات حکومت در مورد اعضای گروه «کاهوه» اعلام کرده‌اند، جرایمی است که قوانین سرکوبگرانه حکومت برای آن‌ها مجازات‌های سنگین و اععدام

پیش‌بینی کرده‌اند. قابل پیش‌بینی است که اعضای این گروه هم اکنون در زندان‌های جمهوری اسلامی زیر شکنجه‌های وحشیانه قرار داشته باشند و خطر مرگ آنان را تهدید کند. سازمان ما نسبت به خطراتی که جان بازداشت‌شدگان را تهدید می‌کند، هشدار می‌دهد. اتهاماتی که جمهوری اسلامی علیه این گروه وارد کرده

گرایشات آنان، مورد حمایت و پشتیبانی همه مردم ایران و آزادی‌خواهان کشور قرار دارند. ما از همه مدافعین حقوق بشر در جهان می‌طلبیم که عرصه‌های گسترده نقض حقوق بشر در ایران را مورد توجه قرار دهند و برای جلوگیری از جنایات بیشتر، حکومت اسلامی را تحت فشار و اعتراض فزون‌تری قرار دهند.

است هیچ‌گونه مشروعیتی ندارد. مبارزه و مقاومت علیه رژیم‌های که کشور ما را به سوی نابودی کشانده و مردم را با فقر و تنگدستی و مشکلات بی‌شمار مواجه ساخته است، حق مشروع مردم ماست. جوانان و مبارزینی که با امکانات نابرابر و محدود خود به نبرد با غول استبداد برخاسته‌اند، صرف نظر از

## دستگیری یک گروه مخالف جمهوری اسلامی...

# انتخابات ریاست جمهوری و مشاجرات بر سر تغییر قانون اساسی

مسئله‌ی ریاست جمهوری در هفته‌های اخیر هم‌چنان موضوع حاد سیاسی بین جناح‌های حکومت بود. از مدت‌ها قبل برخی طرفداران رفسنجانی مسئله‌ی تجدید نظر در قانون اساسی را جهت فراهم آوردن امکان مجدد انتخاب رفسنجانی برای سومین دوره‌ی ریاست جمهوری مطرح کرده‌اند. این امر اینک با موج مخالفت و ابستگان به جناح رسالت در حاکمیت و به‌ویژه ناطق‌نوری روبرو شده است.

ناطق نوری در گفت‌وگو با خبرنگاران پارلمانی در این باره اعلام نمود که تغییر قانون اساسی به معنی آنست که نیروی دیگری در کشور وجود ندارد و این یک ضایعه است. او اضافه نمود: «قانون اساسی کشور به هر مناسبتی نباید تغییر کند و اگر ما به هر بهانه‌ای بخواهیم قانون اساسی را

زیر سؤال ببریم، این سست کردن قانون اساسی است و به مصلحت نیست.»

ناطق نوری می‌گوید که شخص رفسنجانی هم مخالفت خود را در این مورد اعلام کرده است. او هم‌چنین می‌گوید خامنه‌ئی نظر صریح خود را در روز افتتاح مجلس اظهار داشته است.

وزیر کشور بهشارتی نیز وارد گود شده و اعلام نموده است که تب تغییر قانون اساسی نباید در مطبوعات مطرح شود و این بحث باید مسکوت گذاشته شود. او اضافه کرده است که «در مملکت ما قحط‌الرجال نیست اما یک نکته همیشه مورد نظر من است که باید دولت آینده خط‌مشی هاشمی را تماماً ادامه دهد و اگر این مسئله باشد دیگر نیازی به تغییر در قانون اساسی نیست.» وی در مورد آمادگی وزارت

کشور برای برگزاری یک همه‌پرسی جهت تغییر قانون اساسی اظهار داشت: «اصلاً ما چنین چیزی را پیشنهاد نمی‌کنیم و آمادگی برگزاری این همه‌پرسی نیز باید از سوی مقام رهبری به ما ابلاغ شود.»

از سوی دیگر پیروان خط امام و برخی از عناصر وابسته به کارگزاران در صدد قانع کردن میرحسین موسوی جهت کاندید شدن در انتخابات ریاست جمهوری هستند.

الویری رئیس شورای عالی مناطق آزاد در کشور و کاندیدای انتخاب نشده‌ی کارگزاران در انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی در مصاحبه با روزنامه‌ی سلام اعلام نمود که میرحسین موسوی شانس بسیار خوبی برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری دارد.

علیرضا محبوب دبیرکل خانه‌ی

## خبرهای کوتاه

### انجام سرشماری عمومی در آبان ماه

عباسعلی زالی رئیس مرکز آمار ایران اعلام کرد که پنجمین سرشماری عمومی نفوس و مسکن که از سال ۱۳۳۵ هر ده سال یکبار انجام می‌شود، از اول آبان امسال به مدت ۲۲ روز در سراسر کشور اجرا خواهد شد. وی اظهار داشت که ۶۰ هزار نفر که حدود ۲۶ هزار نفر آنان از آمارگیران می‌باشند، در این سرشماری شرکت خواهند داشت. به گفته‌ی زالی براساس این سرشماری مقدمات کد ملی برای هر فرد ایرانی تعیین خواهد شد.

وی گفت که نتایج اولیه‌ی سرشماری سه ماه بعد از اجرا مشخص می‌شود و نتیجه‌ی کلی آن تا مهرماه سال آینده اعلام خواهد شد.

### خالکوبی در کشور ممنوع شد

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رژیم با صدور اطلاعیه‌ی خالکوبی بر روی بدن را باعث انتشار بیماری‌هایی چون ایدز و هیپاتیت سرمی، حساسیت‌های پوستی و عمومی، سل و سرطان‌های جلدی خواند و ضمن ممنوع کردن آن، اعلام نمود که خالکوبی در میان جوانان جنوب شهر و همچنین خالکوبی ابرو و خط چشم و لبان دختران جوان تهرانی صادر شده است.

### مواجهه با کاروان‌های عروسی

فرمانده‌ی قرارگاه سیدالشهدای امر به معروف و نهی از منکر استان تهران ضمن اعلام این مطلب که نیروهای بسیج از این به بعد مانع تردد کاروان‌های عروسی که شئون اسلامی را رعایت نکنند، خواهند شد، قماش ساخت که نیروهای بسیج در خصوص برنامه‌های امر به معروف و نهی از منکر فعالیت‌های گسترده‌ای را در دست اجرا دارند.

وی از جمله فعالیت‌های بسیج در برخورد با کاروان‌های عروسی یادآور شد که در تهران ۱۲۸۷ ضابط بسیجی با ۴۷۷ کاروان عروسی مواجه شده و جمعاً یک هزار و ۶۷۹ تذکر لسانی به آنان داده شده است.

### ممنوعیت کاربرد واژه‌های بیگانه

کلیات طرح ممنوعیت به کارگیری نام‌ها، عنوان‌ها و اصطلاحات بیگانه در یک ماده‌ی واحد و دو تبصره در جلسه‌ی چهارشنبه گذشته مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و قرار است جزئیات آن در شور دوم مورد رسیدگی قرار گیرد.

به موجب این طرح، دستگاه‌های قانونگذاری، اجرایی و قضایی کشور و سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و کلیه‌ی شرکت‌هایی که مشمول قوانین و مقررات عمومی به آنها مستلزم ذکر نام موظف‌اند از به کار بردن کلمات و واژه‌های نامأنوس بیگانه در گزارش‌ها و مکاتبات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های رسمی خودداری کنند و همچنین استفاده از این واژه‌ها بر روی کلیه‌ی تولیدات داخلی که در داخل کشور عرضه می‌شود، ممنوع می‌باشد.

### ۱۸۸ هزار نفر به دانشگاه‌ها راه یافتند

روز شنبه‌ی هفته‌ی گذشته اسامی قبول‌شدگان مرحله‌ی دوم کنکور سراسری دانشگاه‌های ایران برای سال تحصیلی ۷۶-۷۵ اعلام گردید. ظرفیت پذیرش امسال دانشگاه‌های وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی کشور ۱۴۷ هزار نفر می‌باشد.

روز شنبه‌ی این هفته نیز اسامی حدود ۵۰ هزار نفر معرفی‌شدگان گزینش نیمه‌متمرکز و هشت هزار نفر پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های غیرانتفاعی انتشار یافت.

### کاهش چشم‌گیر صادرات پسته

در سه ماهه اول سال جاری تنها ۲۸ هزار تن پسته و مغز پسته به ارزش ۱۶۷ میلیون ریال از کشور صادر شد. این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل، از نظر وزن ۱۱ درصد و از نظر ارزش ۴۱ درصد کاهش نشان می‌دهد. علاوه بر بی‌تأمینی مدت و نرخ پیمان ارزی، کاهش بازده ادواری درختان پسته و نیز عواملی مانند خشکسالی و کم‌آبی به خاطر گسترش چاه‌های عمیق در مناطق پسته‌خیز کرمان، عمده‌ترین دلایل کاهش صادرات پسته می‌باشند.

### اظهارات مسئولان فاقد ارزش علمی است

هم‌زمان با چهارمین نمایشگاه بین‌المللی صنعتی بازرگانی کشور، دکتر صدری یکی از کارشناسان امور اقتصادی کشور در گفتگویی با روزنامه‌های داخلی ضمن انتقاد شدید از دست‌اندرکاران اقتصادی کشور که کاهش صادرات غیرنفتی کشور را ناشی از رکود اقتصادی بین‌المللی ذکر می‌کنند، اظهار داشت که این گونه اظهارات فاقد ارزش علمی است و این امر بیشتر بر اثر مانع‌تراشی مسئولان به‌خصوص گردانندگان امور در سیستم بانکی و گمرکی می‌باشد. به عقیده‌ی دکتر صدری، رکود اقتصادی بین‌المللی نمی‌تواند عامل کاهش صادرات غیرنفتی کشور باشد، چرا که در همین سال‌ها صادرات کشور همسایه‌ی ما ترکیه افزایش یافته و درآمد حاصله از آن به ۲۱/۵ میلیارد دلار رسیده است.

### انتقاد امام جمعه‌ی قم از سمینارهای متعدد

امینی امام جمعه‌ی موقت قم در مراسم نماز جمعه‌ی این شهر برگزاری سمینارهای متعدد دولتی را مورد انتقاد قرار داد و گفت در برگزاری سمینارها هر اداره، نهاد و ارگانی تنها خود را مد نظر قرار می‌دهد. در صورتی‌که مجموع سمینارها به ۶۰۰ و هزینه و مخارج آن به ۲۴ میلیارد تومان رسیده است. آیا می‌توان گفت ما در سال ۶۰۰ سمینار ضروری داریم؟ یا بودجه‌ی این سمینارها می‌توان ۹ هزار خانوار را صاحب مسکن کرد. امینی خواهان تأسیس مرکزی برای رسیدگی به ضرورت برگزاری سمینارها شد.

## نتایج سفر رفسنجانی به آفریقا

بازدهی سیاسی معینی را همراه داشت. رفسنجانی و ولایتی با ارائه‌ی طرح صلحی ۶ ماده‌ای که فاقد هرگونه ابتکاری است و بند اول آن پوچ و ۵ بند دیگر آن رونوشتی از مبانی اولیه‌ی حقوق بین‌الملل می‌باشد توانستند میوه‌ی رسیده را به موقع از درخت بیچینند و دست وزرای خارجه‌ی سودان و اوگاندا را در دست هم قرار دهند. در تانزانیا آنان به دنبال وصول طلب ۱۵۰ میلیون دلاری خود بودند و «دایه‌بان» تصمیم گرفتند که ۸۰ درصد این پول را در صنایع آن کشور سرمایه‌گذاری و یا به صورت شیلینگ تانزانیا دریافت کنند و به ۲۰ درصد ارز معتبر قناعت کنند. سفر به زیمبابوه و آفریقای جنوبی نیز بیش از آنکه بتواند دستاورد اقتصادی خاصی داشته باشد، برای سردمداران رژیم جهت بدست آوردن وجهه در میان مردمی که سال‌ها بر ضد تبعیض و نژادپرستی مبارزه کرده‌اند، دارای اهمیت بود.

هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران در هفته‌ی گذشته در رأس یک هیئت ۳۰۰ نفری که در آن از جمله همسر و دخترش فائزه رفسنجانی و وزرای خارجه، بازرگانی و صنایع و رژیم حضور داشتند از ۶ کشور آفریقای شرقی، اوگاندا، سودان، تانزانیا، زیمبابوه و آفریقای جنوبی دیدار کرد. او علت سفر خود را پاسخ به دیدار رؤسای جمهوری کشورهای فوق از ایران ذکر کرد اما ترکیب و کمیت هیئت همراه وی نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی که هر چه بیشتر در انزوای شدید سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرد برای بهره‌گیری سیاسی و اقتصادی از این سفر دندان تیز کرده است. سفر کنیا برای کارگزاران رژیم دستاورد چندانی نداشت. تلاش برای تشکیل یک کمیسیون مشترک اقتصادی شاید بزرگترین دستاورد آنان در سفر به این کشور بود. اما سفر به سودان و اوگاندا برای این هیئت

## سؤال نمایندگان از بهشارتی در مجلس

به دنبال سؤال عدده‌ی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از استان خراسان از علی محمد بهشارتی وزیر کشور جمهوری اسلامی در مورد دلایل عزل مفیدی استاندار این استان و علت عدم اطلاع هیئت وزیران و مجمع نمایندگان این استان، وی یکشنبه‌ی گذشته در جلسه‌ی مجلس شورای اسلامی حضور یافت تا به سؤال نمایندگان پاسخ گوید.

در این جلسه محمد باقر ذاکری نماینده‌ی قوچان به نمایندگی از سوی مجمع نمایندگان استان خراسان اظهار داشت که مفیدی به پیشنهاد مجمع نمایندگان استان در دوره‌ی چهارم مجلس به سمت استانداری منصوب شد و این حق نمایندگان دوره‌ی پنجم بود که در مورد عزل وی و انتخاب استاندار جدید خراسان با آنان مشورت می‌شد.

بهشارتی در پاسخ ضمن دفاع از عملکرد خود، از مفیدی تقدیر کرد و اظهار داشت که وی را عزل نکرده است بلکه بر طبق «سنت حسنه» وزارت کشور از وی خواسته است که استانداری استان دیگری را قبول کند و به خاطر مخالفت وی با انتقال، کنار گذاشته شده است.

بهشارتی تعویض استانداران را در حیطه‌ی اختیارات وزیر کشور دانست و تأکید بر این که پیش از این هم یازده استاندار دیگر عوض شده‌اند اظهار داشت:

این سؤال وجود دارد که چرا در مورد تعویض یازده استاندار دیگر هیچ نماینده‌ی اعتراض نکرد و به نظر می‌رسد سروصدای ایجاد شده در مورد تعویض استاندار خراسان تاحدی غیر طبیعی باشد.

در پایان نمایندگان سؤال‌کننده، پاسخ و توضیحات بهشارتی را کافی و قانع‌کننده نیافتند و سؤال یاد شده به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی ارجاع شد.

## تلاش برای جمع‌آوری سلاح‌های غیرمجاز

احمد قدیریان نماینده‌ی دادستان کل کشور هفته‌ی گذشته اظهار داشت که از روز ۲۳ مهرماه با پایان یافتن مهلت تحویل سلاح‌های غیرمجاز با داندگان چنین سلاح‌هایی شدیداً برخورد خواهد شد.

وی گفت که بعد از اتمام این فرصت در صورتی‌که نزد کسی سلاح غیرمجاز کشف شود، شخص مزبور مجرم شناخته شده و حداقل به ۶ ماه حبس محکوم می‌شود و اگر کسی از اسلحه‌ی غیرمجاز خود هرگونه استفاده‌ی بکند، محکوم خواهد شد. وی گفت که تاکنون ۳۰۰ هزار اسلحه‌ی شکاری و غیرشکاری از سوی افراد تحویل داده شده است که برای ۱۵۰ هزار قبضه‌ی آن مجوز قانونی صادر شده است.

قدیریان اذعان کرد که اگر کسی تا پایان روز ۲۲ مهرماه سلاح غیرمجاز خود را تحویل ندهد مورد بازخواست قرار نخواهد گرفت اما پس از آن اشد مجازات در انتظار دارندگان اسلحه‌ی غیرمجاز خواهد بود.

## اعتراف به دستگیری ۲۰۰ مخالف رژیم

مدیرکل اطلاعات استان آذربایجان غربی که روزنامه‌های داخلی نام او را فاش نساخته‌اند کارنامه‌ی فعالیت پنج‌ماهه‌ی ساواک جمهوری اسلامی در این استان را در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی ارائه داد. او اذعان کرد که دستگاه اطلاعاتی رژیم در استان آذربایجان غربی موفق به کشف ده‌ها نشریه و بروشور تبلیغاتی گروه‌های مخالف رژیم، کشف ۲ دستگاه بمب‌انداز، ضربه به هسته‌های نیروهای ضدحکومتی شده است و بیش از ۲۰۰ نفر را در این ارتباط دستگیر کرده است.

وی همچنین گفت که ۵ شبکه‌ی

## اختلاس کنندگان از بانک تجارت محکوم شدند

روابط عمومی دادگستری کل استان تهران گزارش داد که طبق حکم شعبه‌ی ۴ دادگاه عمومی مجتمع قضایی ویژه‌ی تهران غلامرضا محمدیگی کاساویسی متهم ردیف اول پرونده‌ی اختلاس از شعبه‌ی ۹۲ رازی بانک تجارت به اتهام مشارکت در بانده و شبکه‌ی اختلاس به حبس ابد و استرداد وجوه اختلاس شده و پرداخت خسارت وارده به بانک و جزای نقدی به مبلغ ۳ میلیارد ریال، حبس و ۵۰ ضربه شلاق به خاطر جعل اسناد رسمی، حبس و ۳۰ ضربه شلاق و بازگرداندن مبلغ دریافت شده در جریان کلاهبرداری محکوم شد.

عبدالحسین هنرپور رئیس سابق شعبه‌ی یاد شده و متهم دیگر پرونده به ۵ سال زندان، استرداد ۱۰۹ میلیون و

**کار را بروی شبکه جهانی اینترنت**

**فدایان**

**بخوانید**

نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت در دسترس شماست.

علاقتمندان می‌توانند صفحات آخرین شماره‌ی نشریه، مقالات برگزیده‌ی شماره‌های پیشین نشریه، اسناد کنگره‌های سازمان و هم‌چنین مطالب بیولتن انگلیسی News & Views را در <http://www.fadai.aksariyat/iran.163.80.248.166> زیر آدرس:

ملاحظه فرمایند.

مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گوردسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

# آپارتاید در عرصه‌ی آموزش، «ارمغان» دیگر رژیم

آپارتاید را گرداندگان کم‌دانش و بی‌فرهنگ «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» در جمهوری اسلامی، نژادپرستی ترجمه کرده‌اند. شاید هم عمدی در کار بوده است تا از بار منفی و قبح معنی عام آن که همانا «جدایی» و جداسازی باشد، با محدود کردن آن به شکلی خاص یعنی آپارتاید نژادی که زمانی سیاست رسمی نژادپرستان حاکم بر آفریقای جنوبی و بعضی کشورهای پیرامون آن بود، کاسته شود. چرا که دیگر همگان می‌دانند که آپارتاید جنسی (جداسازی زنان و مردان) و مذهبی، ملی و طبقاتی با ابعادی متفاوت و البته گسترده بر اثر سیاست‌های رسمی و نیمه‌رسمی حکام رژیم جمهوری اسلامی در کشور ما اعمال شده و می‌شود.

روز شنبه گذشته ۱۷ شهریورماه در اکثر مناطق کشور و شنبه‌ی این هفته ۲۴ شهریورماه در مناطق جنوبی و گرمسیری کشور، ۱۸/۵ میلیون دانش‌آموز راهی مدارس شدند تا با کسب علم و دانش، سازندگان کارآمد آینده‌ی کشورمان باشند. درینجا که کماکان در کنار این «خوش‌اقبالان»، حدود ۲ میلیون نفر از کودکان دارای سنین مدرسه از تحصیل محروم‌اند.

اما «خوش‌اقبالان» نیز از چند سال گذشته و به‌ویژه از سال جدید تحصیلی در بهره‌گیری از امکانات آموزشی کشور سهم برابری ندارند. سال‌هاست که سیستم آموزشی کشور از کمبود معلم، فضای آموزشی، کتاب‌های درسی و امکانات پرورشی رنج می‌برد و تلاش‌های معین و محدود برای رفع این کمبودها تناسیب با رشد فزاینده‌ی نیاز به امکانات یاد شده ندارد. در چنین شرایطی مسئولان امور آموزشی کشور به‌جای حل مشکل عمومی آموزشی کشور راه اختصاص هر چه بیشتر امکانات موجود به گروه‌های برگزیده‌اند.

سیستم آموزشی کشور که در نخستین سال‌های پس از انقلاب، متأثر از روحیه‌ی تحول‌طلبانه و عدالت‌جویانه‌ی مردم، تحیراتی در جهت همسان‌سازی مدارس، کاهش تبعیض میان دانش‌آموزان و تخصیص مناسب‌تر امکانات موجود یافته بود، در سال‌های اخیر با پیدایش و رشد قارچ‌گونه‌ی مدارس «غیرانتفاعی» و «نمونه‌ی مردمی» سمت‌گیری کاملاً متفاوتی یافته، با ایجاد واگرایی بیشتر جداسازی هرچه بیشتری را در میان مردم و دانش‌آموزان پدید آورده است. روندی که در سال جاری شتاب فراوانی گرفته است. هر سال تعداد کثیری و اقبال رقم بسیار بیشتری از مدارس دولتی به مدارس موسوم به «نمونه‌ی مردمی» تبدیل شدند و بر اثر آن، به گفته‌ی مدیر کل آموزش و پرورش تهران، از حدود ۵ هزار مدرسه، حدود ۸۰۰ مدرسه غیرانتفاعی، ۵۰۰ مدرسه نمونه‌ی مردمی و بقیه دولتی می‌باشند. دولت شهریاری مدارس «غیرانتفاعی» را ۱۷۰ هزار تومان تعیین کرده است، اما مطالبه‌ی ۲۵۰ هزار تومان شهریه از والدین در این مدارس تعجب‌چندانی بر نمی‌انگیزد. در آستانه‌ی سال تحصیلی جدید بسیاری از مدارس دولتی با یک تغییر نام ساده به «نمونه‌ی مردمی» بدل شدند و با این تغییر ۲۰ هزار تومان برای شهریه طلب می‌کنند. در آغاز تفاوتی بین مدرسه‌ی تغییر نام یافته با قبل وجود نداشت. مدیر یکی از این مدارس می‌گوید: از وقتی که مدرسه‌ی ما به نمونه‌ی مردمی تبدیل شده، پدر و مادرهای زیادی می‌آیند و با خواهش و تمنا و حتا التماس از ما می‌خواهند که اسم فرزندان را در این مدرسه بنویسیم در حالی که پیش‌تر خردمان همانند هیچ نوع تغییری در کیفیت آموزشی، فضای

کلاس‌ها و توانایی علمی دبیران این مدرسه حاصل نشده است، اما اوضاع بر این منوال نمی‌ماند. این‌گونه مدارس با استفاده از نام خود و شریایطی که در زمان ثبت‌نام دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند و با جذب دانش‌آموزان نخبه و همچنین معلمان ورزیده‌تر از راه پرداخت حقوق بیشتر، به‌تدریج فاصله‌ی با مدارس دولتی ایجاد می‌کنند. مطابق ضوابط، ثبت‌نام نهایی در مدارس نمونه‌ی مردمی براساس حدتصاب امتیازات حاصل از ضریب ده معدل، ۱۲ امتیاز برای سکونت در منطقه، ۱۵ امتیاز برای فرهنگی بودن هر یک از والدین و تا ۱۰ امتیاز برای خانواده‌های شهدا

**لشکر ۱۸/۵ میلیونی دانش‌آموزان کشور سپاه عظیم خلاقیت، استعداد و توانایی جوانی است. این جمعیت معادل ۳/۷ برابر جمعیت فنلاند، ۲/۳ برابر جمعیت سوئد، ۶ برابر جمعیت بومی قطر، ۱/۵ برابر جمعیت بومی عربستان و ۸/۰ برابر جمعیت کشور بزرگی نظیر کانادا است. لشکر دانش‌آموزان ایران بیش از یک‌سوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و کشور ما از این نظر در رتبه‌ی اول جهان قرار گرفته است.**

صورت می‌گیرد و از آنجا که اکثر دانش‌آموزان همه‌ی شرایط لازم را ندارند، معیار اصلی کسب حدتصاب معدل دانش‌آموزان می‌شود که در این صورت تنها دانش‌آموزانی با معدل بیش از ۱۸ شانس کسب امتیاز لازم را دارند یا این وجود در بعضی مدارس نمونه‌ی کسانی با معدل بیش از ۱۹ نیز امکان ثبت‌نام نمی‌یابند و نخنگان تحصیلی که والدینشان از توان مالی مناسبی برخوردار باشند در این مدارس گردهم می‌آیند و سطح تحصیلی مدارس دولتی به دلیل فرار مغزها اعم از دانش‌آموز و معلم کارآمد به‌شدت پایین می‌آید و طبیعتاً این مدارس بار اصلی کمبود هزاران معلم را بردوش خواهند داشت و مجموعه‌ی این عوامل تعداد دانش‌آموزانی را که عطای آموزش در چنین مدرسه‌ی را به لقای آن بخشیده، ترک تحصیل می‌کنند، افزایش می‌دهد. این در حالی است که حتا بر اساس اصل سی‌ام قانون اساسی همین رژیم، دولت موظف است امکان آموزش و پرورش رایگان را برای همه‌ی مردم تا پایان دوری متوسط فراهم آورد. اما وزارت آموزش و پرورش رژیم به جای این اختیار قرار دادن امکانات بیشتر برای مدارس دولتی، تقویت مدارس «غیرانتفاعی» که در واقع کاملاً انتفاعی هستند را پی می‌گیرد. به عنوان نمونه بنا بر گفته‌ی زرهانی معاون وزیر آموزش و پرورش امسال مبلغ دو میلیارد و صد میلیون تومان به عنوان کمک سرانه برای ثبت‌نام ۲۵ دانش‌آموز در هر مدرسه «غیرانتفاعی» در اختیار آن مدارس قرار می‌گیرد و نهصد میلیون تومان دیگر هم به عنوان کمک به طرح رافع برای ثبت‌نام ۲۰ هزار دانش‌آموز بی‌سرپرست به مدارس «غیرانتفاعی» اگذار می‌گردد. در حالی که به اعتراف یکی دیگر از مسئولان آموزش و پرورش، این وزارتخانه پانصد میلیارد تومان کسری بودجه دارد که قصد دارد آنرا از طریق افراد ثروتمند تأمین کند. اما در همین حال قرار است ده میلیارد تومان هزینه‌ی ساختمان جدید این وزارتخانه گردد. روشن است که با این ۱۳ میلیارد تومان می‌شد صدها مدرسه‌ی جدید ساخت. برنامه‌ریزان رژیم ادعا می‌کنند که هدف از پرداخت سه میلیارد تومان کمک به مدارس «غیرانتفاعی» این است که دانش‌آموزان بی‌بضاعت اما با استعداد بتوانند از مزایای چنین مدرسه‌ی استفاده کنند. در حالی که مسلم است که چنین دانش‌آموزانی در سطح کشور

## اثرات روانی منفی جداسازی

از تأثیرات روانی کار و تحصیل در مدارس «غیر یکسان» نیز نباید غافل بود. یک استاد دانشگاه و محقق تعلیم و تربیت آموزش معنوی تأسیس مدارس «غیرانتفاعی» را بسیار قابل توجه می‌داند. او می‌گوید: مدارس «غیرانتفاعی» نوعی احساس حقارت برای معلمان و دانش‌آموزانی که در این مدارس نیستند به‌وجود آورده است. بسیاری از معلمان سعی می‌کنند تا با حضور در مدارس «غیرانتفاعی» به دیگران ثابت کنند که از نظر علمی استحقاق آن را داشته‌اند تا توسط این

مدارس جذب شوند و از نظر آنان مسائل مالی در درجه‌ی دوم اهمیت قرار می‌گیرد. هم‌چنین فخر فروشی بعضی از دانش‌آموزان مدارس «غیرانتفاعی» به دانش‌آموزان مدارس دولتی موجب به وجود آمدن احساس حقارت در این دانش‌آموزان شده است و بسیاری از والدین برای جبران این حسادت معنوی که خود نیز مشمول آن هستند اقدام به ثبت نام فرزند خود در مدارس «غیرانتفاعی» می‌کنند. در حالی که بسیاری از آنان برای تأمین مخارج سرسام‌آور این‌گونه مدارس، مجبورند از بسیاری از اساسی‌ترین حوایج زندگی خود صرف‌نظر کنند.

این کارشناسان در مورد تأثیر نامطلوب مدارس «غیرانتفاعی» بر معلمان و والدین می‌گوید: مدارس «غیرانتفاعی» با پرداخت پول بیشتر معلمان را به سوی خود می‌کشند و با فراهم آوردن امکانات بهتر برای آنها، تمام انرژی و همت آنها را متوجه مدرسه‌ی خود می‌کنند. بدین صورت معلمان در مدارس دولتی که با کلاس‌های پرجمعیت و دانش‌آموزان مختلف از نظر استعداد مواجه هستند، تمام انرژی خود را مصرف نمی‌کنند تا دچار خستگی روحی و جسمی نشوند و در عوض در مدارس «غیرانتفاعی» که عمدتاً دانش‌آموزان مستعد متمرکز شده‌اند برای جلب توجه مدیران این مدارس همه‌ی تلاش خود را به کار می‌گیرند. از طرفی والدینی که با پول‌های کلان اقدام به نام‌نویسی فرزند خود در یکی از مدارس «غیرانتفاعی» کرده‌اند برای گرفتن نمره و امتیازاتی از معلمان سعی در تطمیع آنان دارند که این خود موجب فساد در دستگاه تعلیم و تربیت می‌شود.

به تیزهای پرورشی کودکان و نوجوانان نیز در مدارس «غیرانتفاعی» «نمونه‌ی مردمی» به اندازه‌ی کافی توجه نمی‌شود. بسیاری از این مدارس، اعم از «غیر انتفاعی» و «نمونه‌ی مردمی» شباهت کاملی به کلاس‌های خصوصی دارند و امکانات لازم برای تفریح و ورزش دانش‌آموزان را در اختیار ندارند. یکی از استادان دانشگاه درباره‌ی این مدارس می‌گوید: «ساختمان اغلب مدارس «غیرانتفاعی»، مناسب برای امر تعلیم و تربیت نیست. فضای آموزشی، از لحاظ علمی، فیزیکی مناسب خود را می‌طلبد، دانش‌آموز به محض ورود به مدرسه باید این احساس را در خود پیدا کند که پا به مکان مقدسی گذاشته که باید در تمام دقائق و لحظات حضور در آن مکان، قوانین و ضوابط آن را به دقت اجرا کند در حالی که این احساس در مدرسه‌ی که در یک خانه‌ی کوچک یا فضای نامناسب دیگری تشکیل شده‌اند و جمعیت دانش‌آموزی کمی را در خود جای می‌دهند به‌وجود نمی‌آید.»

در چنین شرایطی طبیعی است که دانش‌آموزان در زندگی اجتماعی از بسیاری جهات ناخفته و تک‌بعدی بار بیایند.

## «مگر من عقلم کم است که بچه‌ام را بفرستم مدرسه‌ی دولتی»

محمد قمی افشاء شده است. قمی می‌گوید: وزارت آموزش و پرورش برای اینکه مسئولان و نمایندگان با او خوب باشند یک لیستی ارائه می‌کند به آنها که آقا این مدارس نمونه‌ی ما، این مدارس شاهد ما، هرجا می‌خواهید اسم بچه‌هایتان را بنویسید. خوب وقتی این‌طور شد دیگر یک نماینده‌ی مردم (؟) این را احساس نمی‌کند که موقع ثبت‌نام فرزندش مدیر مدرسه یا رئیس منطقه چه برخوردی با او می‌کند. دیگر مدارس سه نوبتی و دو نوبتی را نمی‌بیند و برایش ملموس نیست.

خیر اشتباه می‌کنید این سخن از زبان یک تازه به دوران رسیده‌ی معمولی برای فخر فروشی در مجالس میهمانی شمال شهر تهران بر زبان جاری نشده است و احتمالاً هیچ‌کدام از فخرالمولک‌ها و شمس‌السلطنه‌ها هم اخیراً با آقای قمی نماینده‌ی خط امامی مجلس شورای اسلامی دم‌خور نبوده‌اند که با او چنین سخن بگویند. خیر جمله‌ی فوق از «شخصیت» مسئولی چون «درخشانی» معاون وزیر آموزش و پرورش حکومت جمهوری اسلامی در کمیسیون مربوط در مجلس شورا می‌باشد که از سوی

## خبرهای علمی

### واکسن ضد زخم معده ساخته می‌شود

پژوهشگران ایتالیایی با آزمایش بر روی موش‌ها در آزمایشگاه، موفق به ساختن واکسنی شدند که معده را در برابر باکتری‌های عامل زخم معده (Helicobacter Pylori) و برخی سرطان‌های معده مصون می‌دارد. تحقیقات انجام شده نشان داد که بیش از ۷۰ درصد موش‌های واکنسینه شده در مقابل این میکروب مقاوم شده‌اند. در حال حاضر اکثر پزشکان برای مداوای زخم معده از آنتی‌بیوتیک استفاده می‌کنند تا در عین حال از بروز سرطان معده نیز جلوگیری شود ولی باکتری ذکر شده می‌تواند در برابر دارو مقاوم شود. از این‌رو تهیه‌ی واکسنی برای پیشگیری از بیماری زخم معده، دست‌آورد بسیار باارزشی خواهد بود.

### دستور به اشیاء از راه امواج مغزی

یک گروه علمی در استرالیا توانسته است پس از ثبت و تقویت علائم الکتریکی مغز، از آن به‌عنوان محرک دستگاه‌های برقی استفاده کند. آنان برای بدست آوردن نتیجه‌ی لازم الکتریکی به دور سر بسته‌اند که علائم مغزی را در دستگاهی ثبت کرده است. جریان الکتریکی حاصله، سپس تا میزان ۱۵۰ هزار بار تقویت شده‌اند و فیلترهای مخصوصی نیز برای گرفتن علائم اضافی ناشی از حرکت سر بکار رفته است. گروه علمی یادشده توانسته است با استفاده از امواج الکتریکی مغز دستورات ساده‌ی چون روشن کردن یک لامپ یا تلویزیون را قابل اجرا سازند.

### پیشگیری از «لب شکر» به کمک دارو

اسید فولیک که در واقع یکی از ویتامین‌های ضروری برای بدن است در سال‌های اخیر برای پیشگیری از ضایعه‌ی مادرزادی خطرناکی که اسپینا بیفیدا نامیده می‌شود به رژیم دارویی زنان حامله افزوده شده است. تحقیقات تازه نشان می‌دهد که این ویتامین علاوه بر مورد فوق می‌تواند ابتلا به نقص «لب شکر» را تا میزان ۵۰ درصد کاهش دهد. چراکه کمبود آن در تکثیر DNA که در اوایل بارداری بیش از هر زمانی است، به‌شدت نقش دارد.

### راه تازه‌ی برای مبارزه با دزدی

از این پس با یک ابتکار ساده می‌توان افراد مظنون به دزدی را شناسایی کرد. به این صورت که می‌شود وسیله‌ی برای حفاظت اشیاء گرانبها به کار گذاشت که هنگام دستبرد ماده‌ی شیمیایی به دزد غافل پاشد. این ماده در حالت عادی قابل رویت نیست اما پلیس با استفاده از اشعه‌ی ماوراءبنفش می‌تواند رنگ زرد تندی را بر چهره و لباس دزد ببیند. از این ماده برای علامت‌گذاری اشیاء قیمتی و پول نیز استفاده می‌شود.

### بازیافت وسایل یک‌بار مصرف پزشکی

سالانه میلیاردها سرنگ و دیگر لوازم پزشکی یک‌بار مصرفی در دنیا به سطل‌های زباله ریخته می‌شوند. تاکنون امکانی برای آنکه این‌گونه وسایل به درستی جمع‌آوری و مورد استفاده‌ی مجدد قرار گیرند، وجود نداشت. اما اکنون با همکاری یک انستیتوی تکنولوژی شیمیایی در نزدیکی شهر کارلسروهه‌ی آلمان و ۵ تولیدکننده‌ی وسایل پزشکی یک دستگاه اوماتیک متحرک برای بازیافت لوازمی چون سرنگ، لوله‌ها و درن‌های استفاده شده، وسایل بی‌هوشی و احیای بیماران ساخته‌اند که می‌تواند این لوازم یک‌بار مصرفی را پس از ضدعفونی کردن به‌صورت قطعات کوچکی درآورد که می‌توانند در ساختن لیوان یا ظروف دیگر پلاستیکی به کار روند.

### آمار مهاجرت دانشجویان

آمار گردآوری شده در مورد مهاجرت‌های علمی نشان می‌دهد که ۱/۳ میلیون دانشجو در دنیا کشور خود را برای کسب علم ترک کرده‌اند. اتحادیه‌ی اروپا حدود یک سوم از این عده را به خود جذب کرده است. کسانی که به اروپا می‌آیند عمدتاً از کشورهای آفریقائی و خاور نزدیک هستند.

در عوض ایالات متحده‌ی آمریکا، دانشجویان اروپائی را به سوی خود می‌کشاند. آمریکا از نظر پذیرش دانشجویان خارجی دارای مقام اول در جهان است.

### ساخت ژلاتین منعطف

یک فیزیکیان مقیم ماساچوست ژلاتین مخصوصی ساخته است که بر اثر حرارت تغییر حجم می‌دهد. از جمله موارد استفاده این ماده، کاربرد آن در کفش‌های ورزشی است. ژلاتین به‌کار رفته در این کفش‌ها در نتیجه‌ی تماس با پای ورزشکاران که حرارت معینی دارد، تغییر حجم داده، کفش را کاملاً اندازه‌ی پای ورزشکار می‌کند.

### ژن‌درمانی در بیماری‌های قلبی

بیماری تصلب شرایین (Atherosclerosis) با ایجاد تنگی رگ‌های ماهیچه‌ی قلب باعث ایجاد دردهای ناحیه‌ی قلبی (Angina Pectoris) و متعاقباً سکنه‌ی قلبی می‌گردد. بررسی‌های انجام شده این باور را تقویت کرده است که ایجاد رگ‌های تازه برای جبران گرفتگی رگ‌های قلبی به دنبال صدور یک پیام از ژن ویژه‌ی صورت می‌گیرد که به یافته‌های ماهیچه‌ی قلب دستور می‌دهد پروتئین خاصی را به نام FGF-5 ترشح نمایند که این پروتئین موجب ساخته شدن رگ‌های تازه‌ی می‌شود.

پژوهشگران در آزمایشات خود پس از انسداد رگ قلب خوک با وارد کردن ژن یاد شده، پس از مدتی توانستند به تدریج رگ‌های تازه‌ی به وجود آوردند و ناراحتی قلب خوک را برطرف سازند.

### مرد هزار ترانه‌ی ایران درگذشت

کریم فکور ترانه‌سرای مشهور ایران و خالق چندین اثر خاطره‌انگیز و به یادماندنی دو هفته‌ی پیش در سن ۷۱ سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست.

فکور از پیشگامان ترانه‌سرایی نوین ایران بود که همراه با چند تن دیگر با فراتر رفتن از تصنیف‌سازی سنتی، با بهره‌گیری از زبان روزمره و غیرمتکلف و در تناسب بیشتر با نیازهای عاطفی و روحی گروه‌ها و اقشار غیر سنتی ترانه‌هایی متفاوت و روزآمد خلق کرد. بر شانه‌های فکور و هم‌تایان او بود که بعدتر نسل جدیدتر ترانه‌سرایی همچون ایرج جنتی عطایی، شهریار قنبری، اردلان سرفراز

دستی داشت. او از سال‌های جوانی به هم‌کاری با مجله‌ی توفیق پرداخت و ترانه‌های فیلم معروف «اشک‌ها و لبخندها» را نیز او به فارسی ترجمه خویش کردند.

فکور هنگامی درگذشت که ترانه و ترانه‌سرایی در ایران مغضوب و اسپرگاری جمهوری اسلامی است. او در زمانی رفت که به جای قدر دیدن و سپاس یافتن شاهد منکوب و بایگانی شدن همه‌ی آفرینش‌های زندگی‌اش توسط هنرستیزان حاکم بود. جامعه‌ی ایران و به ویژه اهل هنر، اما ارج‌گذار آفرینش‌های ارزشمند و به یادماندنی فکور و فکوره‌ها باقی خواهد ماند.

### رواج فزاینده «ادبیات گویا»

بازار آمده‌اند می‌توان از «کوه جادو» و «دکتر فاوست» آثار معروف توماس مان نام برد. کوه جادو در ۱۴ کاست ۱/۵ ساعته و دکتر فاوست در ۲۰ کاست ضبط شده است. گفتنی است که «ادبیات گویا» تنها به آثار کلاسیک و یا آثار دهه‌های قبل محدود نمی‌شود، بلکه رمان‌ها و داستان‌های نویسندگان معاصر همچون مارگریت دمور، پتر هانتکه و یا امیر توکو را نیز در برمی‌گیرد. حتا اثر نسبتاً تازه و پرفروشی همچون «دنیای سوفی» نوشته‌ی یوستاین گارد که در ایران نیز اخیراً ترجمه‌های زیادی از آن به فروش رفته‌است، نیز در میان ۱۵۰۰ عنوانی دیده می‌شود که تاکنون در آلمان در مجموعه‌ی «ادبیات گویا» انتشار یافته‌اند.

### داوود

اثر قاضی ربیع‌الحی

ندارید اما مطمئنم دختر بچه‌ها را دوست می‌دارید. عرض می‌کنم بنده پیشینه‌ی دارم که به موجب ممنوع‌کردن آثار آنان را پیش از آنکه در اتاق کار خود قرار گیرند مقابل سفید سفید سبزه تا هرگز سیاه نشود راه به دیار مان‌نورد و لغ دانستن به جان مردم نیندازد گرچه نباید حرفی زد از پرسه‌های شیانه در زیبالی اداره که تنها کار سگ‌ها و گداه‌است. اگر بتوانیم پیش از خلق ممنوع کرده باشیم اثر را دیگر زیبالی‌دانی پرس سیاه نمی‌داشتیم تا غیر از آنهاییکه عرض شد کسی راه بیفتد فانوس به دست بگردد. وقتی نفس عمیق می‌کشیم استخوان زیر قلم تیر می‌کشد بخصوص شب‌های زمستان که باد سرد می‌وزد اما نه آنقدر که فانوس را خاموش کند، باید بکنند. تیر کشیدن استخوان زیر قلب گاه با صدا همراه و شک شک شک شکستن، هر چند سختی نفس حقیر از پیپ... نه، از همین پیپ است. وقت روشن کردن آدم چاره‌ی ندارد جز خیره شدن به داخل دهانه‌ی پیپ که توده‌ی آتش آنبوه می‌شود و هجوم آنبوه فانوس‌ها سوی زیبالی‌دان اداره‌مان را در خیال شکل می‌دهد، چه عمیق و تاریک، خاطر جنابعلی جمع. نه شعله‌ی آتش نه نور سیرنگ ماه، هیچ، معلوم نمی‌کند تن برهنه‌ی داوود. ملاحظه می‌فرمائید توتون پیپ چه بوی خوشی دارد؟ اجازه بدهید فوت فوت کنم به صورت شما ببخشید، همه‌اش خیال می‌کردم این خرناسه‌ها سال بیداری بیداری؟

اردیبهشت ۷۲  
برگرفته از ماهنامه‌ی سیم‌رخ  
(چاپ آمریکا) شماره‌ی ۶۴

انسان باید احمق باشد. احمق تا انسان، جنابعلی، سرم گیج می‌رود. که بر پشتی لمیده‌اید صحیح می‌فرمائید با پلک بسته، جهت گزارش عرض کنم، خبری نیست. هیچ. حتا از نویسنده‌ها، پی‌برده‌ام در اتاق بندی حقیر است که پیپ نمی‌کشند و گرنه می‌کشند می‌دانم همین و بس. می‌دانم اگر فرصت داشتید کمی از مکتوبات آنان را بخوانید. نمی‌توانید. فرصت داشتن مناسب حال شما نیست. جنابعلی با پلک بسته، کار من خواندن، دیدن، شنیدن و مراقبت از حریم‌ها که باز تا اطلاع ثانوی ما ممنوع کرده‌ایم استعلامات آنرا، بقول شما توجه ندارند که اصل مبارزه است نه مماشات، مماشات! اجازه بدهید فرهنگ لغت همین جا هست. با هم راه رفتن، مدارا کردن. با کی؟ با مهاجمین به فرهنگ اصیل ما، خیال کردم زیر لب آواز می‌خوانید. ببخشید. فرمودید این‌همه حکایت در فرهنگ ما هست قصه‌ی کچل خارکن را هم به آنان گفتم که بنویسید باز نویسی کنید برای مردم لذت ببرند اینها را دوست دارند، مبارزه کنید با نوگرایی و تمدن. خاطر شما جمع ممنوع‌اند تا وقتی از اصالت ما بریده و توجه ندارند به گذشته. حال که همه‌ی هستی مادر گذشته‌ست. زنده یاد گذشته گذشته. انسان امروز حال را مثل آینده مدفون می‌کند زیر خروارها خاک خاک مثل زنان که موهای خود را، ببخشید. یکی از نویسندگان کتابا به اتوبوس‌رانی دستور حذف دو صندلی را بدهد. فکر کرده‌اند هیچ نفع این بدهستان‌ها نصیب چه کسانی خواهد بود؟ نگاه نگاه. صدای چی بود گاه گوشم را اذیت می‌کند. از ته دل می‌گویم باز هوس تماشای پرده‌های جنگ، جنگ را کرده‌ام. در کوچه‌ها پس کسوجه‌ها هم همراه رنگ

### جوایز جشنواره‌ی ونیز

### در اروپا باقی ماندند

فیلم کیارستمی به دلیل آن توقیف توسط جمهوری اسلامی، از شرکت در جشنواره باز ماند

در جشنواره‌ی امسال فیلم ونیز (ایتالیا) که در فاصله‌ی ۲۷ اوت (۷ شهریور) تا ۷ سپتامبر (۱۷ شهریور) برگزار شد، ۱۷ فیلم از ۱۲ کشور در قسمت مسابقه به نمایش درآمدند که از میان آنها «مایکل کالینز» اثر نیل جوردن، کارگردان ایرلندی به عنوان بهترین فیلم برگزیده شد. جوردن که سال ۱۹۸۱ با فیلم «قلاب ماهی‌گیری» پا به عرصه‌ی سینما نهاده است، در فیلم جدید خود نیز به جنگ و ترور در ایرلند شمالی می‌پردازد. او در این فیلم چگونگی شکل‌گیری شخصیت «مایکل کالینز» و قرار گرفتن او در رأس جنبش چریکی ایرلند در دهه‌های نخست سده‌ی جاری را به تصویر می‌کشد. «لیام نیسون» بازیگری که در این فیلم نقش مایکل کالینز را بازی می‌کند نیز از سوی هیئت داوران جشنواره که رومان پولانسکی، کارگردان سرشناس لهستانی، اصل سینمای آمریکا ریاست آن را به عهده داشت به عنوان بهترین بازیگر جشنواره برگزیده شد.

جایزه‌ی ویژه‌ی هیئت داوران ونیز در دستان «اوتایور سلینانی» کارگردان تجربی‌کار گرجی قرار گرفت و کن لوچ کارگردان نامدار سینمای انگلستان به خاطر فیلم «آواز کارلا» به دریافت مدال طلای جشنواره نائل آمد. این مدال به فیلم‌هایی داده می‌شود که مسئله‌ی اجتماعی را درونمایه‌ی خود می‌کنند. سال پیش فیلم «دت یعنی دختر» اثر ابوالفضل جلیلی از ایران این مدال را به خود اختصاص داد. جلیلی امسال نیز با فیلم «یک داستان واقعی» به جشنواره آمده بود. در این قرار بود که فیلم «سفر به سیبده‌دم» اثر کیارستمی در بخش مسابقه‌ی جشنواره نمایش داده شود، اما این فیلم به دلیل توقیف در ایران از شرکت در این جشنواره باز ماند و به جای آن فیلم

### فرار مغزها

هر از چندگاهی گزارش و یا خبری پیرامون دست‌آوردهای ایرانیان در داخل و خارج از کشور در عرصه‌های مختلف علمی و فرهنگی را در روزنامه‌ها می‌خوانیم که جدیدترین این خبرها هم مربوط به پیروزی دانش‌آموزان ایرانی در المپیاد جهانی شیمی و انفورماتیک می‌باشد. اخباری از این دست از یکطرف مایه خوشحالی همه ماست و از طرف دیگر این سوال برای خواننده مطرح می‌شود که راستی سرنوشت استعدادهایی این چنانی در جمهوری اسلامی چیست؟ چگونه با این ثروت ملی برخورد می‌شود؟ چه طرح و برنامه‌ای برای پرورش و بارور کردن این استعدادها وجود دارد؟ چه امکاناتی در اختیار آنها گذاشته و چگونه از وجود آنها برای رشد و توسعه کشور بهره‌برداری می‌شود؟ این گزارشگر روزنامه «همشهری» از مسئول المپیادهای دانش‌آموزی وزارت آموزش و پرورش درباره سرنوشت این استعدادها می‌پرسد و پاسخی که دریافت می‌کند کاملاً گویاست: «وظیفه آموزش و پرورش این است که این بچه‌ها را بیاورد و انتخاب کند و به وزارت فرهنگ و آموزش عالی معرفی نماید و بعد از آنکه وارد دانشگاه شدند، ما دیگر مسئولیتی نداریم.» دانشگاههایی که از برنامه‌ای در ارتباط با رشد و توسعه کشور محروم بوده و تبدیل به میدانی جهت تصفیه حسابهای سیاسی، یا بازاری برای بخش خصوصی شده‌اند و تنها چیزی که در مرکز توجه مسئولان قرار ندارد رشد علمی این مؤسسات است. در ۱۸ سال گذشته بارها دانشگاههای کشور زیر

### بایز می‌شتابد

ع.م. سپانلو

بر شاخه‌های دستخوش غارت تخت کلاغ‌ها را آماده می‌کنند این گونه شهر طعمه‌ی بایز می‌شود شهری که زردرویی دیدارش را با سیب سرخ و آبی آبی‌ها با دختران نورس - خم گشته روی نرده‌ی مهتابی‌ها - تعدیل می‌کند. شعری که در تلاطم دود رقیق در شستشوی باد نمایان است و روغن چراغش از باد مایه می‌گیرد بادی که شوخ و دمدمی از فرصتی سبک موج می‌کند سربندها و مقنعه‌ها را بر رخت‌بندها یا در صفوف لحظه و لبخند بادی که بر مناره‌ی فیروزه‌گون تحریر می‌دهد به صدای مؤذنان بادی که راهبندان را از یاد می‌برد در جرت سرنشینان دم‌سرد می‌شود نفس باد در سایه‌سار یک لحظه از میانه‌ی مه خورشید با گرمی موقت می‌تابد و تار عنکبوت‌ها تا لحظه‌ی به چشم می‌آید... بایز می‌شتابد در راه‌های دیرینش زلفان زرد تاک می‌آشوبد پیشانی منازل معمار ساز را، بیماروار، شادای پوسیده‌ی آثار سر می‌نهد به شانه‌ی دیوار و شاخه‌های دودی خرما و غمگین‌ترین درخت حیاط است. یکصد هزار خانه‌ی فروتوت با چشم‌های کسو آماده‌ی هبوط کلاغان‌اند. خوانندگان نوبتی فصل نیز در انتظار زنگ غروبند و کودکان مدرسه در ساعت ۳ بعدازظهر در کوچه‌های شهر پراکنده با بوی پرتقال در کیف‌هایشان

## به مناسبت سالگرد کشتار هزاران زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷

# از آن روزهای تلخ...

سال ۱۳۶۶ به پایان می‌رسید و فشار مجدد بر زندانیان به بهانه‌های مختلف بیشتر می‌شد. همزمان با این فشارها، موج اعدام‌ها شروع شده بود. به همین دلیل زندانیان ملی‌کش (۱) بند ۴ پالای زندان اوین، اعتصاب غذای پنج روزه خشک‌شان را کتبا به مسئولین زندان ابلاغ کرده بودند. بعد از اعتصاب غذا به ملاقات همسر رفته. لاجر و رنگ‌پریده بود. او شرح داد وقتی مسئولین بند از علت اعتصاب غذای ما مطلع شدند، گفتند حالاکه به غذا نیاز ندارید، ۵ روز هم ما به شما غذا نمی‌دهیم! بنابراین ۱۰ روز در گرسنگی بسر برده و عده‌ای در اثر وخامت حالشان به بیمارستان زندان منتقل شدند.

به نظر می‌رسید جو ترور و ارباب زندانبانان در اثر همبستگی و مقاومت زندانیان از بین رفته است. روحیه بچه‌ها عالی بود. از این لحظه به بعد همگی ما انتظار زمینه‌چینی‌های قتل‌عام زندانیان را داشتیم. عید ۱۳۶۷ گذشت و بمبارانهای شهرها توسط صدام حسین وضع تهران و دیگر شهرها را غیرعادی کرده بود. اردیبهشت ۶۷ ملاقات ماقبل آخر من با همسر در اوین بود. قبلاً همسر هشدار داده بود که رژیم برای شکستن مقاومت زندانیان ملی‌کش قصد تهاجم و فشار درم‌کوبنده در زندان را دارد. در این اوضاع و شرایط بود که مطلع شدم بند ملی‌کشان به گورهدشت منتقل شده‌اند. سراسیمه به گورهدشت رفتم.

مسئولین زندان اظهار بی‌اطلاعی کردند. بالاخره بعد از هفته‌ها دوندگی حدود یک ماه بعد از آخرین ملاقات در اوین که ۱۰ خرداد بود، اوایل تیر او را در گورهدشت ملاقات کردم. روز عجیبی بود. رفتار زندانبانان وحشیانه بود و به بهانه‌های مختلف خانواده‌ها را در انتظار و دلهره نگه می‌داشتند. بالاخره اولین گروه را برای ملاقات صدا کردند. صدای چیخ و فریاد و ناله پدر و مادرها در فضای سالن پیچید. بلافاصله نوبت ملاقات من شد، تازه وقتی وارد سالن شدم، علت این ناله و فریادها را یافتم. همسر برخلاف عادت معمولش اصلاً نمی‌خندید و شرح داد که از زمان انتقالشان به گورهدشت با چشم‌ها و دست‌های بسته توسط عده‌ای به قصد مرگ کتک خوردند. با چکمه روی شکم برخی رفته‌اند و روده‌هایشان را پاره کردند، گاز شیمیایی در سالن رها کردند، هواخوری‌شان را قطع کرده و ۲۰ روز تمام به شکنجه‌اشان ادامه دادند. همسر گفت که او وضع بدتر از این هم به خود دیده است، اما اینها با این روش‌هایشان راهی به جایی نمی‌برند. او گفت که زندانیان قصد دارند از فردای روز ملاقات، با اعتصاب غذایشان جواب اینها را بدهند. از سالن که بیرون آمدم به اتفاق بقیه خانواده‌ها نامه‌های اعتراضی خود را به ساختمان شورای عالی قضایی واقع در چهارراه قصر برده و به ملاقات ریاست کل زندانهای کشور رفتم و خواهان رسیدگی به وضع عزیزانمان شدم. ملاقات بعدی ما ۲۶ تیر ماه بود. روز ملاقات خانواده‌ها را از هم جدا کرده بودند. همسر در ملاقات توضیح داد یک هیئت چند نفره به موضوع شکنجه‌ها رسیدگی کرده و گفته است ورود گاز شیمیایی مربوط به ترکیدن لوله‌های ساختمان بوده و قول وضع بهتر را به آنها داده‌اند. زندانبانان رفتار آرامتری داشتند و آرامش حاکم شده بود. این آخرین ملاقات من با همسر بود. یکی دو روز بعد ملاقات کلیه زندانیان سیاسی کشور تا اطلاع ثانوی قطع شد، رفتار نگهبانان با خانواده‌ها وحشیانه بود. در مقابل حیرت و سوال‌های مکرر خانواده‌ها در مورد علت قطع ملاقات با توهین و اینکه همگی ما قاتل و آمریکایی هستیم، به ما پاسخ داده می‌شد. در این شرایط بود که عملیات مرصاد شروع شد و همزمان آقای اردبیلی در سخنرانی نماز جمعه از قول امت حزب‌الله خواستار اعدام بدون محاکمه زندانیان و عوامل ضدانقلاب شد.

تمام ارگان‌های قضایی به حالت تعطیل درآمد، از دادیار و حاکم شرع و رئیس زندان و مجلس، دادگستری، شورای عالی قضایی، دادستانی اوین و غیره، کسی در ملاقات حاضر نمی‌شد. محل ملاقات زندانیان در گورهدشت و اوین بسته شد و تردد از چندصد متر آنجا ممنوع بود. رادیوهای خارجی خبر کشف گورهای دسته جمعی را می‌دادند، احساس آدمی را داشتیم که در حال غرق شدن است و دستش برای نجاتش به هیچ جایی بند نیست، خود را با این اوهام که رژیم در قرن بیستم نمی‌تواند دست به تبهکاری بزند، آرامتر می‌کردم، اما فشار اخبار وحشتناک گورهای دسته جمعی آرامش را از من ربوده بود. هر هفته با عده‌ای از خانواده‌ها قرار گذاشته، علیرغم منع عبور و مرور در نزدیکی گورهدشت تجمع می‌کردیم. مسئول ملاقات آقای خانی با خوسردی توضیح می‌داد جای نگرانی نیست و عزیزان ما در وضعی به مراتب بهتر از ما بسر می‌برند. یک بار به کامیونی که در حال ورود به زندان بود اشاره کرد و گفت این کامیون حامل مواد خوراکی مختلف برای زندانیان است، انواع خوراکی‌هایی که ما در بیرون حتی خوابش را نمی‌بینیم! او گفت قرار است گورهدشت را خالی کنیم برای قاچاقچی‌ها بگذاریم. دلم گواهی می‌داد وضع خرابتر از آن چیزی است که ما شنیده‌ایم.

۲ ماه بود در هیجان و اضطراب خبرهای ناگوار بسر می‌بردیم، بدون اینکه راه به جایی برای اطلاع از واقعیات داشته باشیم. شایعات یکی پس از دیگری انتشار می‌یافت: امروز ۶۷ نفر از ملی‌کش‌ها را در گورهدشت کشته‌اند... گفته‌اند هرکس را که نماز نخواند می‌کشیم... مسئول عفو زندانیان کل کشور گفته است دیگر سراغ من نیاید، حتی یک پرونده هم زیر دست ما نیست، مگر حرف‌های نماز جمعه را گوش نمی‌دهید، این هشدارها دیگر توده‌ای و غیرتوده‌ای نمی‌شاسد و...!

بالاخره اواخر شهریور به هر دری زدیم تا غلام رضایی نماینده دادستانی اوین را ملاقات کردم. از او پرسیدیم

**یگمان هیچ نویسنده و هیچ هنرمندی با هیچ قلمی، هر چقدر توانا و با احساس، نمی‌تواند فاجعه‌ای را که در روزهای تلخ شهریور و مهر سال ۱۳۶۷، بر هزاران خانواده ایرانی رفت، به توصیف کشد. فاجعه‌ای که در جریان آن هزاران زندانی سیاسی در فاصله چند ماه قتل‌عام شدند، به عنوان یکی از بزرگترین فجایع رژیم اسلامی، هنوز در پرده‌ای از ابهام مانده است و آن چه تا کنون درباره آن گفته شده، تنها گوشه‌ای از دریای رنج و دردی است که میهن ما را در بر گرفت. شاید زمانی، با باز شدن پرونده‌های مکتوم این جنایت هولناک، مردم بهتر بدانند که جانیان با فرزندان شجاع و مبارز این آب و خاک چه کردند. آن چه در زیر می‌خوانید گوشه‌هایی از این رنج و درد را از قلم همسر یکی از زرمندگان فدایی که در جریان این اعدام‌های دسته‌جمعی جان باخت، شرح داده است.**

بین ساعت ... تا ... نه زودتر و نه دیرتر، برای تحویل لباس‌های همسران به کمیته خیابان تهران‌پارس مراجعه کنید.

تا روز جمعه به زحمت توانسته بودم یک ساعتی بخوابم. روز موعود، نیم ساعت قبل از قرار مزبور همراه پدرم و برادر همسر به کمیته تهران‌پارس رفتم. از اوایل جاده خاکی موج جمعیت پدیدار بود. هر ۲ یا ۳ نفری در گوشه‌ای توسط یک یا دو پاسدار از بقیه خانواده‌ها جدا نگاهداشته شده بودند. ما مشخصات همسر را پرسیده و دو پاسدار را برای جلوگیری از تماس ما با بقیه خانواده‌ها گماشتند. سکوت تلخی در آن بیابان حکمفرما بود. حتی ناله‌ای بلند نمی‌شد، اما چهره‌ها به مانند چهره آدمیانی بود که در کابوس‌های نیمه‌شب می‌توان دید!

بالاخره نوبت ما شد. من و برادر همسر توسط آن دو پاسدار به داخل کمیته راهنمای شدیم. یک فرد که پاکلاک چهره خود را پوشانده بود، مشخصات ما را یادداشت کرده و تنهایمان گذاشت. بعد از یک ساعت ما را به اتاق دیگری فراخواند، دو ساک محتوی لباس‌های همسر را تحویل داد، امضایی گرفت که خبر قتل او را هیچ‌جا بازگو نکرده و هیچ‌گاه مراسم شهادت او را برگزار نکنیم و به هیچ‌کجای دیگر هم مراجعه نکنیم. از او پرسیدم: محل دفن همسر کجاست؟ پاسخ داد: معلوم نیست! پرسیدم: وصیت‌نامه او کجاست؟ پاسخ داد: ندارد! پرسیدم: علت اعدام؟ جواب داد: شرکت در عملیات مرصاد! پوزخندی به لب، خواستم در اعتراض چیزی بگویم، ادامه داد اگر حرفی دارم باید همانجا بمانم تا ماشین اوین بیاید و مرا به اوین منتقل کند و سولهایم را از حاکم شرح بپرسم! ترجیح دادم سکوت کنم.

به خانه که رسیدم گروهی از خانواده زندانیان را که خبر را شنیده بودند دم در حیاط خانه ملاقات کردم. تازه متوجه شدم که تمام عزیزانی که می‌شناختم به شهادت رسیده‌اند و به این خانواده‌ها در هفته‌های آینده برای تحویل ساک لباسها نوبت داده شده است. خبر شهادت زندانیان چه از ۴ آذر تا اواسط دی به مرور به خانواده‌ها داده شد.

یک سال بعد توسط دوستان همسر که از این قتل عام جان سالم بدر برده و آزاد شده بودند، شنیدم اولین اعدام‌های بند ملی‌کشان در گورهدشت بعد از ظهر روز شنبه ۵ شهریور ۱۳۶۷ شروع شده است. صبح آن روز اسد ابراهیمی ۷ نفر دیگر را که ۵ نفرشان از رفقای اکثریتی و توده‌ای بوده‌اند، صدا کرده و دیگر تا بعد از ظهر که یک افغانی مسئول پخش غذا، خبر در زندان آنها را آورده بود، کسی آنها را ندیده بود! مدت‌ها بود از روزنامه و اخبار تلویزیون خبری نبود و ارتباط بندها با همدیگر توسط رژیم قطع شده بود. هیچ‌کس دلیلی برای توجیه این اعدام‌ها نمی‌یافت. تا بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۸ شهریور ۱۳۶۷ عده‌ای از زندانیان بندهای خالی شده اطراف را به بند روبروی بند ملی‌کشان منتقل کردند و یکی از رفقای اقلیتی شب آن روز با علامت مورس خبر اعدام‌های دسته جمعی را به بند ملی‌کشان می‌دهد. عده‌ای معتقد بوده‌اند که ممکن است این رفیق اقلیتی را رژیم برای همکاری و به کار بردن حیل خریده باشد. عده‌ای دیگر خیر را جدی گرفته و نسبت به عواقب آن هشدار داده، خود را آماده مقابل با بازی مرگ و زندگی می‌کردند. برخی سیبل‌هایشان را زدند، عینک‌ها را برداشتند، شلوارهای کردی را از تن درآورده و لباس‌های عادی پوشیدند. برخی تا صبح خاطرات و آرزوهایشان را برای دیگران تعریف میکردند و برخی سعی می‌کردند شوخی کرده و یا حرف خنده‌داری بزنند.

همسر آن شب تا صبح برای دوستش حرف زده بود. او موضوع اعدام‌ها را جدی گرفته بود و خود را برای پایداری تا آخرین لحظه آماده می‌کرد. او نسبت به آینده من اظهار نگرانی کرده بود. صبح روز چهارشنبه ۹ شهریور ۱۳۶۷ به مرور در گروه‌های ۲۰ نفری، اسم ۶۰ نفر از زندانیان ملی‌کش را خوانده از بند بیرون بردند. از آن‌ها دیگر کسی به بند باز نگشت. روز پنجشنبه ۱۰ شهریور همسر را همراه بقیه زندانیان باقیمانده صدا کرده بودند. تا روز پنجشنبه دیگر رمقی برای بقیه رفاقت نمانده بود. همگی آماده مرگ بدون فرصت دفاع از خود شده بودند. زندانیان را در راهروی دراز سالن به دو بخش کردند. آنهایی که از راه رفته‌شان حاضر به انزجار هستند و آنها که حاضر به انزجار نیستند، که همسر جزءشان بود. ۱۰ یا ۱۲ نفر حاضر به پذیرفتن مصاحبه و شرایط دادستانی شدند و بقیه به طرف درب اتاقی که دادگاه نامیده می‌شد، به صف شدند. از کسی صدایی بلند نمی‌شد. صدای رفیق عزیزانه را رفاقی پشت در شنیدند که از مواضع سیاسی خود دفاع می‌کرد و حاکم شرع با عصبانیت او را بیرون انداخته بود.

دادگاه از نیری حاکم شرع، اشراقی، ناصران و رحیمی تشکیل می‌شد. سوال اول: آیا انزجار می‌دهی؟ سوال دوم: آیا مسلمانی و نماز می‌خوانی؟ و بعد نوبت نفری بعدی می‌رسید. بعد از ظهر روز ۱۰ شهریور بقیه افراد به دادگاه فراخوانده شدند و به دو گروه تقسیم‌شان کردند. گروهی که در سمت چپ سالن پشت سر هم صف بسته بودند و گروهی دیگر که سمت راست بودند. همسر و بقیه افراد گروه را اول از همه، به محل دیگری هدایت می‌کنند که گفته می‌شود در آن جا زندانیان توسط طناب دار در گروه‌های ۶ نفره همزمان از یک میله بارفیکس به دار آویخته شدند و... و بقیه را برای شکنجه به بندهای خود بازگردانند.

روز شنبه ۱۲ شهریور وسایل آخرین گروه اعدام‌ها شده را از بندها جمع کردند.

محکومیتی در زندان بسر برده بود، رژیم با انواع حیل‌ها تازه و متوع، سعی در شکستن او کرده بود و او شجاعانه و قهرمانانه ایستادگی کرده بود و من تنها با این فکر که این روش‌ها هم یک شیوه جدیدتر به زانو درآوردن همسر هست، سعی می‌کردم خود را آرام کنم.

خانی مسئول گورهدشت عصبانی بود و با فریاد به من گفت: هرکس این حرف‌ها را به تو زده غلط کرده و به چه حقی در کار ما دخالت کرده؟ برو اصلاً از خودش برسی. یعنی چه شوهرم در هیچ زندانی نیست؟ سپس رو به مادری که به او اصرار می‌کرد اجازه ملاقات با فرزندش را بدهد، کرده از او پرسید پرسش‌ها را می‌دهد؟ او گفت توده‌ای بوده است. خانی گفت: ما از این به بعد یا مسلمان نمازخوان داریم یا توده‌ای که الان توی سطل اشغال است!

به اوین برگشتم و از مسئولین ملاقات در مورد اینکه شوهرم در هیچ زندانی نیست توضیح خواستم! گفتند به دلیل



عملیات مرصاد زندانیان را دارند دوباره محاکمه می‌کنند و به همین دلیل در جریان محاکمه اجازه ملاقات ندارند و از نتیجه دادگاه آنها بعد از ملاقاتمان مطلع می‌شویم! باز امیدوار شدم که در هر صورت همسر را ملاقات خواهم کرد. برای تأیید حرف‌های مسئولین اوین، به هر زحمتی بود به ناصریان دادیار گورهدشت زنگ زدم و از او دوباره سوال کردم. جواب داد: تو برو دنبال زندگیت، هر وقت موقعش شد می‌بیم در خونه خودت خبرش را می‌دهیم و می‌گوییم چه کار کنی!

تقریباً از اواخر شهریور، هر روز صبح اول وقت یا اوین بودم یا گورهدشت که خبری بگیرم و یا در سالن شورای عالی قضایی ساعت‌ها می‌نشستم و بدون نتیجه برمی‌گشتم. بارها آقای طبعی را در سالن شورای عالی قضایی تصادفی می‌دیدم. سلامی می‌داد و می‌پرسید بالاخره شوهرت را پیدا کردی؟ می‌گفتم نه؟ می‌گفت انشاءالله پیدا می‌کنی و می‌رفتی!

دلم خوش بود که ساعت‌ها بدون نتیجه در پشت درهای بسته اوین یا شورای عالی قضایی بنشینم و رفت و آمدهای مسئولین را تماشا کنم. قدم‌های یکی را می‌شمردم، عیبای دیگری را ورنه‌انداز می‌کردم، اندازه ریش یکی را و یا خال صورت دیگری یا چهره اخمو و یا تن صدای عبوس دیگری را در گوش تکرار می‌کردم. خانه محل کابوس‌های وحشتناک و خاطرات غم‌انگیز بود. دوست نداشتم به خانه برگردم، با هم کسی غریبه شده بودم و دوست دارشتم روی یک کمره خاکی بدون سکنه زندگی کنم. افراد خانواده کمتر دور و بر من می‌گشتند. می‌دانستند من برای باز یافتن خود نیاز به آرامش و سکوت دارم. کسی از من سؤال نمی‌کرد، چون قطعاً پاسخی هم در یافت نمی‌کرد.

روز ۲ آذر ۱۳۶۷ بود. ساعت ۸ صبح طبق عادت همیشگی در اوین به انتظار خبری نشستم و باز با شنیدن این حرف تکراری که همسر هنوز توی نوبت محاکمه است به خانه برگشتم. وقتی به خانه رسیدم ساعت ۱۱ صبح بود. بلافاصله تلفن زنگ زد، گوشی را برداشتم. شخصی گفت: شما همسر... هستید. گفتم بله. گفت: صبح روز جمعه ۴ آذر

می‌خواهم بدانم شوهر سالم است یا نه؟ جواب داد: نمی‌دانم. ادامه داد: ممکن است بد هم باشد؟ گفت: برو دعا کن هنوز شوهرت را بتوانی ملاقات کنی، اینها همه‌شان در عملیات مرصاد دست داشته‌اند. گفتم: همسر اعتقادی به این تهاجمات انارشستی ندارد. تازه حکم آزادی‌اش دو سال معلق مانده، اگر چیزی به پرونده او بسته شود واهی است و پرونده‌سازی است! حال خرابی داشتم پایم قدرت ایستادن نداشتم، می‌خواستم فریاد کنم، ناله کنم و بگریم. به او گفتم: حالم خراب است، حرفی بزن که به من آرامش بدهد! گفت: شرایط عوض شده و تو انتظار شنیدن هر خبری را داشته‌باش. از پیش او که برمی‌گشتم تا خانه گریه کردم. قادر نبودم چهره مردمی که از کنار عبور می‌کردند را تشخیص بدهم، اما به نظرم می‌آمد مردم آنقدر گرفتارند که بدون تعجب از کنار زنی که در هم شکسته و نالان گریه می‌کند، می‌گذرند!

خبر را به خانواده‌ها دادم، اما کاری از دستمان ساخته نبود. بعد از قریب به ۱۰ سال ایستادگی و مقاومت و شور و شوق و مبارزه، خود را درمانده و ناتوان، غمگین و فرسوده یافتم. اوایل مهر بود و به مرور ملاقات‌ها شروع شد و خبر جنایات رژیم به بیرون می‌رسید. همه خبرها خاکی از یک قتل عام قبیح و غیرقابل تصور بود. نامه‌ای برای شوهرت (رئیس کل زندانها) نوشتم و با همکاری یک سربراز - پاسدار وظیفه به دستش رساندم. مدتی منتظر بودم، خبری نشد. بالاخره به دبیر کل قضایی کشور آقای طبعی مراجعه کرده، به هر کلکی بود او را ملاقات کردم (تا آن زمان هنوز هیچ ارگانی قضایی برای پاسخگویی به شکایات و سوالات وجود نداشت). هر روز به او مراجعه می‌کردم. بالاخره یک هفته بعد در حضور همکاری خانم دستنقیب که تلفنی با فردی معامله آهن می‌کرد، مرا به دفترش خواند و بعد از تلفن‌های مکرر به چند جا و سراغ همسر را گرفتم، به من گفت همسر در گورهدشت نیست. از او پرسیدم: کجاست؟ گفت: دو روز دیگر بیا بپرسم، شاید اوین باشد. بعد از یک هفته آمدن و رفتن بالاخره نتیجه کار را اینگونه به اطلاع من رساند: همسر شما در هیچ‌کدام از زندانها نیست!

در آن لحظه آرزو داشتم دیگر زنده نباشم. فکر راه به جایی نمی‌برد. فعالیت مغزم متوقف شده بود. کلمات و حرف‌های ادم‌های اطراف را نمی‌شنیدم و چند دقیقه‌ای طول کشید تا پاهای من بی‌ارایی بیرون رفتن از اتاق ریاقتند. در آن زمان دبیردبیرستان بودم و هر روز صبح تدریس می‌کردم، با همان حالت به سر کلاس درس رفتم. تازه بعد از نیم ساعت که بانفشی فروخورده و صدای گرفته درس دادم، احساس کردم اشکهایم سرازیر شده. پشت به شاگردان کلاس و رو به تخته به خود نهب زدم استقامت کن، استقامت!

اما اشکها با ناله همراه شد و ناله به ضجه. سراسیمه خود را از کلاس به بیرون رسانده و راهی خانه شدم. فردای آن روز به گورهدشت رفتم و در تمام مدت راه به خود امید می‌دادم که همه حرف‌هایی که شنیده‌ام یک بازی بیشتر نیست، یک طرح حقه‌بازانه برای به زانو درآوردن من و همسر، برای اینکه او را وادار به توبه و همکاری کنند. در تمام این سالها که همسر بدون ارتکاب جرم و یا حکم

–زندانیان «ملی‌کش» به زندانبانی گفته می‌شد که دوره محکومیت خود را بسر کرده بودند اما رژیم از آزادی آنها خودداری می‌کرد. این اصطلاح از زندان‌های زمان شاه باقی مانده است.

## اقتدارگرایی دینی: مبادلات دین و قدرت در ایران امروز

تلخیص از ماهنامه جامعه سالم، شماره ۲۷

انسان‌ها شکل داده‌اند موجب مسخ آن‌ها شده است. از نظر اینان گناه و فساد همه عالم را فرا گرفته است و همه انسان‌ها گناهکارند (مگر آن که خلافت یا پیوستن به اقتدارگرایان اثبات شود). آن یاس فلسفی که اقتدارگرایان به دنیای جدید نسبت می‌دهند، بیش از همه خود آن‌ها را فرا گرفته است چرا که آرمان‌های آن فاصله زیادی از واقعیت موجود دارد و هیچ روشی نیز برای تحقق آن‌ها نمی‌بینند و در پی جستجوی آن‌ها بر نمی‌آیند. هر ایدئولوژی اقتدارگرا (از جمله اقتدارگرایی دینی) که می‌خواهد همه مسائل را به احاطه به قدرت مطلقه حل کند در ذات خود مبلغ پوچ‌گرایی خواهد شد چرا که قدرت، حتی با عنوان مطلقه‌اش محدودیت‌های بسیاری را در بر دارد و نمی‌تواند به خواست‌های قدرت‌مندان و توده پاسخ دهد، بالاخص آن که اقتدارگرایان مرتباً انتظارات تازه ایجاد می‌کنند و نمی‌توانند بر آوردن آن‌ها را به رقبا نسبت دهند یا تا بحد رقابتی سیاسی یا رژیم سابق را مسئول بر آورده نشدن آن‌ها معرفی کنند.

نتیجه این یاس فلسفی بعلاوه تعهد دینی به انجام تکالیف (و عمل به عنوان حاکمیت یا گروه فشار)، تخریب و ویران‌گری است. اقتدارگرایان دینی برای این که روزی بسازند، مدام خراب می‌کنند و حجم تخریب روانی و انسانی آن‌ها بیش از قدرت‌سازندگی‌شان (حتی در صورت بازگشت به این ایده اخیر) است؛ اعمال اقتدارگرایان عموماً بازگشت‌ناپذیر است. مقاومت گروهی از مردم در برابر روحیه تخریبی آنان موجب تنفر آنان از آن گروه می‌شود و این بر قدرت تخریب آن‌ها می‌افزاید. اقتدارگرایی دینی هیچ‌گونه نظام ترجیحات و انتظاراتی مبتنی بر واقعیت موجود جهان و جامعه ندارد و هم در هدف و هم در روش تخریب‌گر است.

واقع‌بینی از نظر اقتدارگرایان نوعی تسلیم به شیطان و بیگانگان تلقی می‌شود. اقتدارگرایی برای انتساب مشروعیت خود به عوامل قدسی، هر آن چه را که عرفی است شرعاً معنی می‌کند. اقتدارگرایان در جامعه غیر از بسیاری انحراف، فساد، جرم و خطا نمی‌بینند و اگر روزی از حجم واقعی آن‌ها کاسته شود، خود، انحراف را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که بیشتر مردم در چارچوب آن قرار گیرند. بدگمانی، عیب‌جویی، فرصت‌طلبی، ساده‌انگاری، انطباق‌گرایی، دیگرآزاری و خودآزاری آنان ناشی از یاس مخوف در این نظریه است، هر گونه خضوت یا پرخاش‌گری از نوعی یاس جهت برقراری ارتباط یا تکلیف خود بدون موفقیت در وادار کردن افراد به پذیرش نظرات از طریق صلح‌آمیز ناشی می‌شود. اقتدارگرایی حتی گنگگو و طرح نظریات خویش را نیز تاکتیکی برای «خراب کردن» یا «کوبیدن» یا «افشا» می‌داند و نه روشی برای مفاهیم درک عمیق‌تر.

دیدنی اقتدارگرایان دینی به انسان تا آنجا گسترش پیدا می‌کند که فراتر از دشمن دیدن بیگانگان و توطئه‌های هر روزه آنان (تئوری توطئه) حتی نزدیک‌ترین کسان نیز می‌توانند خائن یا دشمن باشند. علی‌رغم هزاران مجرای کنترل، نظارت و گزینش که اقتدارگرایان پیشنهاد و اعمال می‌کنند باز هم در دوره‌های کوتاه مدت، کسانی که از این مجراها گذر کرده‌اند یکبار به عنوان دشمن و توطئه‌جو اعلام می‌شوند. دایره گناه ایدئولوژیک به اصول و مبتنی خاص محدود نمی‌گردد و بر اساس اراده معطوف به قدرت تعیین می‌شود. به همین علت دشمن واقع شدن به نحو اصولی پیش‌بینی‌پذیر نیست و به قرب و بعد به مرکز حکومت مبتنی است.

اقتدارگرایان با توسل به انواع تحلیلها و ایده‌هایی مثل علم‌الاسماء تاریخی (غلبه برخی از اسماء خداوند مثل قهر بر برخی دیگر مثل رحمت در دوره‌هایی خاص)، شیطان‌گرایی، ادواری بودن حقیقت و مهدویت (پر شدن جهان از فساد به عنوان زمینه‌های ظهور) به این بدبینی نسبت به انسان، جامعه و تاریخ دامن می‌زنند و با اعلام گمراه و تهکار بودن اکثریت خلایق، گروهی را هدایت شده و هدایت‌کننده معرفی می‌کنند و واقع یکی از مبانی مشروعیت چنین نظام اقتدارگرایی را تحکیم می‌کنند. همچنین برای مشروع اعلام کردن توسل رژیم‌های سیاسی به قهر و زور باید بر ظلم، خیانت و فساد انبوه در جهان امروز تأکید شود.

**۴- محوریت مصیبت:** اقتدارگرایی دینی بخش عظیمی از نیروهای اغنایی و قدرت‌گرددآوری خویش را از شعار مربوط به مصائب و رنج‌هایی که اسطوره‌های مورد نظر آنان در طول تاریخ بر خود هموار کرده و می‌کنند اخذ می‌کند. مصیبت برای اقتدارگرایان عامل تجمع است (تا آنجا که روضه‌خوانی‌ها کارکرد گنگره‌های حزبی را پیدا می‌کنند)؛ خواست‌های گروه در هیئت‌های عزاداری و مراسم سوگواری اعلام می‌شود؛ رنج، عامل پیوستگی و احساس یگانگی است و هر کس رنج بیشتری برده باشد متعالی‌تر است؛ حقیقت در همین رنج‌ها منعکس می‌شود، رنج‌هایی که عمدتاً متوجه به کنش و کسب قدرت هستند.

رنجی که اقتدارگرایی دینی بر آن تأکید می‌کند رنج ناشی از محرومیت از قدرت است (و به همین نحو نیز واقعه عاشورا را تفسیر می‌کند) و نه رنج ناشی از محرومیت انسان‌ها از حقوق فردی و اجتماعی آنان یا رنج ناشی از غمخواری برای مظلوم واقع شدن گروهی که در برابر ظلم ایستادگی کردند. و به جای به دست آوردن، همه چیز خود را از دست دادند. مصیبت بزرگ از نظر اقتدارگرایان شهروندی عادی بودن در نظام سیاسی است و از این جهت به جای تأکید بر نهادهای عرفی و تشکلهای مستقل از دولت برای دفاع از حقوق و آزادی‌های فردی خود به قدرت تمام و تمام‌مسئله‌انندیشند. از این جهت اقتدارگرایان پس از رسیدن به قدرت اصولاً رنج

چارچوب نداشته باشد. این مقابله نیز با تسهیلات دینی مثل ارائه یک جبهه توده‌گرا، بدون تشکیلات و بدون هیچ برنامه سیاسی مشخص و طرح تقابل رفتار و اطاعت حزبی در نظام مکتب با اطاعت از خداوند و نیز طرح هم‌خوانی اطاعت حزبی با اطاعت از خداوند در نظام تک‌حزبی انجام می‌گیرد. هم‌چنین این توده‌بی‌شکل نباید هیچ گونه تمایزیابی را متحمل شود، چراکه تمایزیابی و شفافیت یافتن اختلاف‌ها به معنی اختلاف در دین است و انحراف تلقی می‌شود. فقط در صورتی که این توده بی‌شکل به نحو بی‌قید و شرط خود را به دست یک مرجع اقتدار بیاورند و با آن موافقت تام (و نه حتی عدم‌المخالفت) داشته باشند اثری از کج‌روی دینی و فتنه نخواهد ماند. در این حال این توده بی‌شکل، حتی در حد توده‌گرایی پر از ابهام و فریبندگی مارکسیستی، دیگر داور نهایی اختلاف‌ها نیز نخواهد شد و این شان سابق به خداوندی که کار او صرفاً تقویض قدرت به نمایندگان خویش در زمین است با این‌که از جانب قدرت‌مندان زمینی فقط در آسان‌ها حکومت می‌کند واگذار می‌شود.

این ایده نیز همانند همه ایده‌های اقتدارگرایی یک ایده متوجه به قدرت تام و تمام و بدون امکان پاسخ‌گویی در برابر مردم یا حامیان است. توده‌گرایی، در برابر حقوق و آزادی‌های تک‌تک احاد ملت مطرح می‌شود و متوجه به کم‌رنج کردن و بی‌مناکران آن‌هاست. بر اساس سبب فکری گروه‌های اقتدارگرایی دینی همه آزاداند هر چه را نیروهای تمامیت‌طلب (اعم از سنتی یا ایدئولوژیک) می‌گویند دوباره تکرار کنند؛ دیگران حق مستقلی به نام امنیت یا رفاه ندارند مگر آن که از حقوق تحکیم‌کننده اقتدار حاکم باشد یا تصور ضدیت از آن نرود؛ افراد جامعه حق برخورداری از اطلاعات را ندارند چراکه اطلاع داشتن، زمینه اولیه مشارکت است و توده بی‌شکل حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها را ندارد. شان این توده بی‌شکل صرفاً هدایت شدن و به انواع هدایت‌ها «اری» گفتن با دل و جان است؛ احاد ملت نه حقوق طبیعی دارند نه حقوق مدنی، چراکه حقوق طبیعی گاه در برابر تکالیف برخاسته از نظام ایدئولوژیک قد علم می‌کنند و بر اساس حقوق مدنی، قدرت نمی‌تواند بدون هیچ حد و مرزی حقوق و آزادی‌های افراد را نقض کند. حقیقت قدسی موجود در نزد اقتدارگرایان آن‌ها را مجاز می‌دارد که به حقوق همه افراد جامعه تعرض کنند؛ به همین لحاظ، خواست حاکمیت قانون یک خواست شیطانی است، چرا که قانون عمل کرده، دست اقتدارگرایان را برای تعرض به حقوق افراد می‌بندد و اصولاً قوانین گناه‌گشاگران را برای گناه در زندگی خصوصی باز می‌گذارد. حقوقی مثل حق بیان عقیده و رای، حق انتخاب شغل، حق تحصیل و مانند آن‌ها نیز «می‌توانند» بستر بروز نفسانیات انسان‌ها باشند و از این لحاظ با تکالیفی که اقتدارگرایان برای افراد جامعه وضع می‌کنند، نقض می‌شود.

اقتدارگرایان دینی از آن جهت توده‌گرا نامیده می‌شوند که نمی‌خواهند حاکمیت مردم را به عنوان مجموعه‌ای از افراد واجد حقوق بپذیرند. اینان دموکراسی را مبتنی بر اهواء و آرا و عقل نفسانی معرفی می‌کنند. تا توده بی‌شکل، بدون خواست و بدون اراده را به دست یک مرجع مقتدر که اینان او را سپر انحصارگرایی و عامل مصونیت خویش قرار می‌دهند بیاورند. اگر بر عدل، کمال، مصونیت از خطا و بیداری این حاکم تأکید می‌شود از آن جهت است که از مجرای یک فرد آسان‌تر می‌توان رقبا را از میدان راند و با کسب اعتماد حاکم و سلب اعتماد حاکم از اغیار، آرا و اهواء خویش را پیش برد. گروه‌های اقتدارگرا دموکراسی را دیکتاتوری معرفی می‌کنند تا دیکتاتوری که آن‌ها صرفاً طرف مشورت و کارگزاری او واقع می‌شوند بر حاکمیت بخش عظیمی از مردم ترجیح داده شود. مرجع اقتدارگرا مورد نظر اقتدارگرایان به صورت انسانی تام تمام و مردم، سراسر طمع، حرص و از و غفلت معرفی می‌شدند تا اینان به عنوان نیروهای مدافع زوددن آن غفلت، از پله‌های قدرت مطلق بالا روند و شأنی برای خویش تمهید کنند.

اقتدارگرایان دینی به خوبی به این نکته پی برده‌اند که «حقوق فردی» امور اعتباری هستند ولی از این نکات غافلند که اولاً حد اعتباری بودن برای همه انواع حقوق و سطوح و مراتب آن (که برخی از آن‌ها را خود نیز یاور دارند) یکسان است، ثانیاً دستورات فقهی و شریعت مورد نظر آنان نیز در همین حد اعتباری است، ثالثاً قوام زندگی بشر به همین اعتبارات است و نمی‌توان هر روز در آن‌ها دست‌کاری کرد و رابعاً اقتدار نیز امری اعتباری است و از این جهت نمی‌تواند مبدأ ارزش واقع شود.

**۲- قوم برگزیده:** ایده قوم برگزیده، همانند دیگر ایده‌های متوجه به کسب و حفظ قدرت، تفکیک خودی و بیگانه را برای قائل شدن به سلسله مراتب قدرت می‌خواهد. قوم برگزیده باید هر آن چه را که خیر است در مقابل همه شرور جوامع دیگر در بر داشته باشد، تا آن حد که اگر دموکراسی‌نیز خیر شمرده شود، قوم برگزیده دموکراتیک‌ترین جامعه دنیا را داشته باشند. علت این برگزیده بودن نیز آن است که قدرت در دست بهترین ایدئولوژی ممکن (یعنی ایدئولوژی حاکمان) است. اقتدارگرایی دینی حتی به تولد دوباره دین (همانند این اسطوره در مسیحیت) قانع نیست، چرا که انحصار قوم برگزیده بودن آن خدشه‌دار می‌شود.

**۳- پدیدینی:** اقتدارگرایی دینی به واسطه بر آمدن از دل فترت و انحطاط دینی جامعه و مشاهده بی‌توجهی عظیم به آرمان‌های دینی در میان افراد بشر، به شدت به انسان و انسانیت بدبین است. از نظر اقتدارگرایان همه آدمیان در دریایی از «غفلت» غوطه‌ورند (البته به جز کسانی که این غفلت را متداوماً متذکر می‌شوند) و تمدن جدیدی که

نیز سهم بسیاری در این فرایند ایدئولوژیک کردن دین -<sup>۸</sup>- لذا ارائه این تصور که بدون اتکالی دین به قدرت سیاسی، اثری از اعتقادات و رفتارهای دینی باقی نخواهد ماند - دارند. سرور نیز علیرغم مخالفت با ایدئولوژیک کردن دین، با داور قرار دادن دین در منازعات بشری، طرح اندیشه متناقض یا مبهم حکومت دموکراتیک دینی (دین به عنوان داور و دموکراسی به عنوان روش) و عدم تأکید و تصریح بر آزادی‌ها و حقوق بنیادی انسان‌ها با کم کردن رنگ آنها در ذیل احکام شریعت (نقی لیرالیسم یا انتساب این تعبیر به آن که «همه چیز جایز است»)، و مشخص نکردن مرجع اعلام و اعمال عدم جوازها در جامعه دینی و حکومت دینی از پلین) آخرین بازمانده نسل آن دسته از مصلحان دینی است که سلامت دینی جامعه و برقرار بودن شعائر و رفتارهای دینی را منوط به دخالت قدرت می‌دانند.<sup>۹</sup>

این احیاگران درست همانند پیروان بلافصل خود در عرصه قدرت، معتقدند که هر سؤالی در نهایت با طرحی که آنها از دین دارند قابل پاسخ‌گویی و هر مشکلی قابل حل است (که این اندیشه خود یک اندیشه معطوف به کسب قدرت در جوامعی است که اسطوره‌های سیاسی آنها، همه چیزدان و همه توان هستند) و از این جهت هر جا از حیث نظری و عملی با بر آوردن اقتضات شریعت (به عنوان نمونه در احکام قضایی که اجرای آنها نیاز به قدرت سیاسی دارد یا عمل به دستورات دینی توسط افراد) با دشواری مواجه می‌شوند، مسئله را به دست قدرت دینی می‌سپارند. ممکن است که احیاگران به صراحت نگفته باشند که می‌توانند به هر سؤالی پاسخ دهند ولی از یک سو پاسخ آنها به هر سؤالی که از آنها شده، و نیز عدم ذکر «نمی‌دانم» در برابر برخی از پرسش‌ها، شواهد خوبی برای اعتقاد آنان به همه چیزدانی و ایدئولوگ بودن خویش است. به عنوان نمونه در بحث آزادی بیان، در نهایت برخی از ایده‌ها را غیر دینی یا ضد دینی می‌دانند و چون با اندیشه آزادی بیان نمی‌توانند مانع از نشر آنها شوند، سیستم میزبی را که قدرت دینی اعمال می‌کند، می‌پذیرند (اختلافات گروه‌های مختلف دینی بر سر چگونگی و حد میزبی است ولی در اصل اعمال آن بر اساس نظام ارزشی دینی اختلافی ندارند و بسیدن ترتیب تلویحاً پذیرفته‌اند که برای حفظ ارزش‌های دینی باید به قدرت و محدودیت متوسل شد). پذیرش میزبی به معنای عدم اعتماد به توانایی ایده‌گنگگو برای چالش با اندیشه‌های مخالف و بهره‌گیری از قدرت جهت منع نشر برخی از آراء و عقاید است.

همچنین در آرای هیچ یک از احیاگران، حتی انسان‌گرایان آنها جایی برای دفاع از حقوق فردی «انسان به‌ماهو انسان»، چه این انسان اهل شریعت باشد و چه نباشد، وجود ندارد و حقوق فردی همواره با بازخوانی تمامیت‌طلب یا ایدئولوژیک شده شریعت و تکالیف متوجه به نقض آنها قید می‌شود. اندیشه متوجه به قدرت در حوزه آزادی نیز به دلیل روشن نبودن قدها= قواعد بازی یا گرایش قواعد بازی به نفی و انکار حقوق افرادی که در حلقه فکری، «مای دینی» قرار می‌گیرند، منتفی می‌شود.

زمینه‌های ظهور این اقتدارگرایی دینی (غیر از احساس فترت دینی و ناموفق بودن روش‌هایی که بر اعمال قدرت متکی نیستند) عبارت بوده‌اند از شکاف فرهنگی میان گروه‌های اجتماعی و نجنگان جامعه که امکان گنگگو را (به عنوان روش بدیلی برای اعمال قدرت جهت گسترش ایده‌ها و رفتارهای دینی)، به حداقل می‌رسانده است، بن‌بست‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از توسعه، ظرفیت‌های اندک نهادهای پژوهشی و فکری، بی‌سامانی جامعه و عدم اقتدار دولت در عین دست داشتن سرخ‌ها، نابرابری اجتماعی و عدم وجود هیچ راه حل عملی برای حل عرفی آن، عدم اجماع بر ارزش‌های آزادی‌خواهانه و حقوق ملت، بی‌ثباتی جامعه که امکان کسب قدرت (انحصاری) را توسط گروه‌های مختلف و از جمله یسنداران قابل انتظار می‌سازد و شکاف‌های موجود در آرایش نیروهای سیاسی. منبع توانایی اقتدارگرایی دینی روشن بودن ایده‌ها و فعالیت منسجم نظری و عملی آن نیست، بلکه بی‌سر و سامانی جامعه مدنی است، ظهور جنبش‌های اقتدارگرا با میل به قدرت و کسب قدرت را در احاطه نهایی همه تشکیلات اعلام کردن ظاهراً همه امیال و نیازهای انسان‌هایی نوید است که شرایط موجود را پاسخ می‌دهند؛ حال اگر این اقتدارگرایی، دینی باشد نیاز به تعالی نیز در کنار دیگر نیازها ظاهراً پاسخ داده خواهد شد.

اقتدارگرایی دینی در ایران ویژگی‌های چندی را واجد بوده است:

**۱- توده‌گرایی:** تئوری تقلید که از فقه به دیگر قلمروهای زندگی نیز سرایت داده می‌شود، در کنار تئوری پیشگام - پیرو که ایدئولوژی‌ها مسلط آن هستند بستر مناسبی برای توده‌گرایی به دست اقتدارگرایان دینی داده است. جنبش‌های اجتماعی نیز با تبدیل فرهنگ به عنصر تبلیغاتی و تلاش برای عمومی کردن این فرهنگ تبلیغاتی به توده‌گرایی کمک کرده‌اند. توده‌گرایی توده بی‌شکلی را می‌خواهد که در صحنه زندگی عمومی بدون هیچ وجه مشخصه‌ای ظاهر شود، تفاوتی میان x و y مشاهده نشود و افراد بدون هیچ خواست و برنامه سیاسی، به تقاضاها و مویات قدرت اقتدارگرایی پاسخ گویند. هر گونه حزب - حزبی که مرام آن‌ها دینی باشد - با این توده‌گرایی در تقابل است، چرا که در این صورت، وجود احزاب دینی رقیب به معنای نگرش‌های متفاوت به دین است که طرح آن اصولاً (و البته در حدی محدود) تکثرگرایانه است. از این جهت باید با هر گونه اندیشه حزبی مقابله شود. اگر بحث آن هم مطرح می‌شود، باید آن را به شکلی «فراگیر» مطرح کرد تا عموم مردم را تحت پوشش قرار دهد و تکثر، حضوری در آن

اقتدارگرایی را (همانند بسیاری دیگر از تعبیری از این قبیل) نمی‌توان دقیقاً تعریف کرد ولی می‌توان ویژگی‌های آن را بیان کرد یا تصور خود را از آن ارائه نمود. بر اساس دیدگاه‌های اقتدارگرایان، (۱) فرض بر وجود حق (شخصی، اجتماعی و سیاسی) برای افراد و منع الزام و اجبار نیست، (۲) فرض به حکومت و دستگاه‌های دولت اختیارات موردی تقویض می‌شود که هر طور صلاح دیدند (البته تا حدی که بحران ایجاد نشود و به بقا به خطر نیفتد) عمل کند، (۳) شناخت افزون‌تر به انسان و طبیعت مبتنی بهکرد مقتدرات آدمی قرار نمی‌گیرد و به جای آن از این شناخت برای دستکاری و اعمال نفوذ بر افراد استفاده می‌شود، (۴) مشارکت شهروندان در شکل دادن به اراده ملی، ساز و کار مشخصی ندارد و عمدتاً ظاهر سازی برای القای احساس مشارکت است، (۵) رکن عمل در چارچوب نهادهای جای نمی‌گیرد و قدرت به نحو فرتاهادی عمل می‌کند، (۶) مدارا و تساهل یک اصل برای تسهیل تضارب آراء و همزیستی نیست و حتی مضر و فسادانگیز تلقی می‌شود، (۷) فضا برای عمل اراده‌های آزاد تنگ و محصور می‌شود و اضطراب و ترس ناشی از اعراب، افراد را از تنش آزادانه باز می‌دارد، (۸) قانون به هیچ وجه نمی‌تواند قدرت سیاسی را قید زند، گروه‌های اجتماعی مختلف نمی‌توانند در قدرت سهیم باشند، (۹) حق متفاوت بودن به رسمیت شناخته نمی‌شود، (۱۰) شالوده‌های اجتماعی - فرهنگی آزادی تخریب می‌شوند، (۱۱) هیچ نوع همبستگی میان نحوه توزیع قوا در قانون و توزیع قدرت در جامعه باقی نمی‌ماند، (۱۲) دسترسی برابر و آزاد به وسایل ارتباطی و اطلاعات و نظارت مساوی و همسان بر آنها وجود ندارد، (۱۳) امکان فعالیت سیاسی برای همه شهروندان فراهم نیست، (۱۴) تصمیمات سیاسی با مسئولیت و پاسخ‌گویی همراهِ نیست، (۱۵) اصالت قدرت، شفافیت تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها را خدشه‌دار می‌کند و (۱۶) نظام سیاسی عملاً خود را نمایندگی اکثریت جامعه نمی‌داند و صرفاً بر گروه‌هایی متکی است که اقتدارش را تقویت می‌کنند و مشروعیتش را می‌پذیرند.

اقتدارگرایی دینی همه ویژگی‌های فوق را رنگ دینی می‌زند و از همه مؤونه‌های فقهی، اخلاقی، معنوی و کلامی دینی برای دینی کردن عوامل فوق یاری می‌گیرد. این کار چندان مشکل نیست چرا که در جوامع دینی گذشته سنت‌ها و روال‌هایی جاری بوده است و نیز احکام و دستوراتی در بیان عالمان دینی گذشته موجود است که می‌توان با کمک گرفتن از آنها و انتساب امور دینداران به دین، همه ویژگی‌های مزبور را عین دین و برخاسته از عرق دینی جلوه داد. ولی به همان نحوی که اقتدارگرایان می‌گویند که آزادی خواهان دیندار، مبانی خویش را از جایی غیر از دین می‌گیرند و آنها را بر دین سوار می‌کنند، در مورد اقتدارگرایان نیز همین سخن را می‌توان گفت، بدین معنا که همه ویژگی‌های فوق، مبنای ای خارج از دین دارند که بر دین افکنده می‌شوند.

بر اساس نظریه اقتدارگرایی دینی، بدون اعمال قدرت نمی‌توان انسان‌ها را به فطرت دینی آنها رهنمون کرد و هدایت بسدون قدرت ممکن نیست. اصولاً از نگاه اقتدارگرایان دینی که سابقه‌ای دیرینه در تاریخ ایران دارند دین بدون داور قرار گرفتن در امور بشری و دنیوی و لذا مؤید شدن به قدرت، دین با قوام و محکمی نیست: «دین تا رای بیان نکند قوامی نباشد».<sup>۴</sup> به همین دلیل این قدرت اولاً نباید هیچ محدودیتی در برابر خویش ببیند و هیچ حریمی نباید حوزه عمل آن را محدود سازد، ثانیاً این قدرت عین حق است یا باید باشد، یا حداقل مردم باید چنین تلقی‌ای از آن داشته باشند و ثالثاً روش‌های بدیل مثل توزیع قدرت یا رقابت بر سر کسب آن باید شیطانی معرفی شوند. طبیعی است که برای پذیرش چنین قدرتی باید زمینه‌سازی‌های لازم انجام گیرد؛ به مراکز «موجود» قدرت القا شود که باید خواهان قدرت مطلق و غیر مسئول باشند، اسطوره‌سازی‌های لازم جهت ارائه چهره‌ای افسانه‌ای از قدرت‌مندان صورت گیرد، تلاش شود که روش‌های مبتنی بر اختیار بشر جهت تبلیغ و پذیرش دین ناموفق جلوه داده شوند، روش‌های دموکراتیک، نفسانی جلوه داده شوند و در نهایت به دینداران القا شود که بدون اعمال قدرت و زور نمی‌توان احکام خداوند را در دین جاری ساخت و بدون در دست داشتن قدرت نمی‌توان زمین را بدین راه در جامعه جاری کرد.

احیاگرایی دینی از این نظر خدمت بسیاری به اقتدارگرایی کرده است. ایدئولوژیک کردن دین و آن را به ابزاری برای حکومت مبدل ساختن، اجتماعی دیدن یا اجتماعی کردن عموم ایده‌های دینی برای بیرون آوردن آنها از کنج دل‌ها و خانه‌ها، نشاندن فلسفه اجتماعی دین بر جای روش‌های تجربی مدیریت جامعه، داور قرار دادن دین برای منازعات بشری، ارائه مشروعیت سیاسی، معرفی الگوها و اولیای دینی به عنوان شخصیت‌های حزبی و سیاسی و پیوند زدن آرمان‌های دینی با ارزش‌های دنیوی مثل عدالت، آزادی، رفاه و امنیت بخشی از ذغدغه‌های احیاگران دینی بوده است که به اقتدارگرایی دینی و ضرورت تر تخت قدرت نشستن متدنیان مبارز و احیاگر و تقویض قدرت مطلق و غیر مسئول به آنان یاری بسیاری رسانده است. به عنوان نمونه شریعتی، قهرمان بر تخت قدرت نشاندن دین است. تصویری که او از دین عرضه می‌کند دوگانه است؛ از یک سو قدرت مطلق و غیر مسئول را به عنوان نوعی پیشوایی که مشروعیتش را از مردم نمی‌گیرد (و با نرم مبهم ملکه عدالت و تقوای انتقالی که در نسبت انسان با انسان معنی پیدا می‌کند و هیچ مرجع دنیوی برای تضمین آن وجود ندارد)<sup>۵</sup> اعتبار پیدا می‌کنند) به عرش اعلی می‌برد و از همه ذخایر و ازگانگی فرهنگ سیاسی امروز استفاده می‌کند<sup>۶</sup> و از سوی دیگر اراده‌گرایی و آزادی خواهی‌اش به عنوان دو ارزش مستقل در سراسر آثار او جریان می‌یابد.<sup>۷</sup> بازارگان و مطهری



## از خشونت علیه زنان

خشونت روی زندگی میلیون‌ها زن در سطح جهان تأثیر منفی می‌گذارد. اشکال خشونت در ابعاد مختلف زندگی اقتصادی و اجتماعی و حتی کلاس‌های درس به چشم می‌خورد. خشونت مانع مشارکت کامل زنان در جامعه می‌گردد. متأسفانه خشونت اشکال ناراحت کننده متعددی دارد. از سوءاستفاده در خانه و تجاوز به عنف گرفته تا ازدواج‌های زودرس و ختنه کردن زنان. تمامی این‌ها اساسی‌ترین حقوق زنان را نقض می‌کند. پطروس غالی دبیر کل سازمان ملل متحد در چهارمین اجلاس زنان در پکن (سپتامبر ۱۹۹۵) خشونت علیه زنان را یک معضل جهانی دانست که باید در سطح جهانی محکوم گردد. به نظر غالی، متأسفانه این معضل روز به روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد. نتایج مطالعات در ۱۰ کشور جهان نشان می‌دهد که بین ۱۷ تا ۳۸ درصد زنان از شوهرهای خود کتک می‌خورند.

در کنفرانس پکن، دولت‌ها اظهار داشتند که «خشونت علیه زنان به معنی نقض اساسی‌ترین حقوق انسانی و مانعی برای تحقق اهدافی چون برابری، توسعه و صلح می‌باشد. بسیاری از دولت‌ها خشونت علیه زنان را یک امر خصوصی و شخصی (نه یک مسئله و معضل حقوق بشری) تلقی می‌کنند از این‌رو کمتر برای جلوگیری از آن از خود حرکتی نشان می‌دهند.

بعضی زنان حتی قربانی خشونت می‌گردند. به عنوان مثال بعضی از والدین، به دلیل این‌که جنین فرزند آینده‌شان دختر است، آنرا سقط می‌کنند. در جوامع دیگر، زنان مجبورند که صدمات اجرای سنت‌های خطرناک و آزار دهنده‌ای چون ختنه را به جان بخرند. در بعضی دیگر، آن‌ها مجبورند که خیلی زود تن به ازدواج بدهند بدون این‌که از لحاظ عاطفی، ذهنی و فیزیکی، به بلوغ لازم رسیده باشند. زنان قربانیان تجاوز به عنف، نزدیکی با محارم (Incest)، مرگ و خشونت‌های خانگی دیگر (که به راحتی قابل جلوگیری است) می‌باشند. حتی امروزه تجاوز به عنف به عنوان یک ابزار جنگی یا استراتژی برای تحت‌انقیاد در آوردن و به وحشت انداختن جوامع استفاده می‌شود. امروزه سربازان، عاقدانه در بعضی از مناطق دنیا زنان را باردار می‌کنند و موقع ترک محل آن‌ها را به حال خود و می‌گذارند.

در چهارمین کنفرانس زنان در پکن، تجاوز به عنف در درگیری‌های مسلحانه را یک جنایت جنگی و تحت شرایطی نسل‌کشی دانست. دبیر کل سازمان ملل در کنفرانس پکن اظهار داشت که امروزه زنان بیشتری نسبت به گذشته مستقیماً با پیامدهای منفی جنگ و درگیری مسلحانه آسیب و رنج می‌برند. او هم چنین گفت: یک روند قابل سرزنش در جهت تحقیر و حرمت‌شکنی زنان، شامل جنایت تجاوز دسته‌جمعی در جهان اتفاق می‌افتد.»

## خشونت خانوادگی

خشونت در داخل خانواده، هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. خشونت خانوادگی یک امر شخصی و خصوصی از طرف همسایگان، جامعه و دولت تلقی می‌شود. اما چنین موضوعات شخصی کم‌کم به تراژدی‌های عمومی تبدیل می‌شود، در ایالات متحده آمریکا به طور متوسط در هر ۱۸ دقیقه یک زن مرد کتک کاری می‌کنند. در واقع خشونت خانوادگی یکی از عوامل اصلی جراحت و آسیب زنان در

سن بارداری در ایالات متحده تلقی می‌شود. بین ۲۲ تا ۳۵ درصد زنان که اتاق‌های اضطراری (emergency rooms) را تجربه کردند از این نوع می‌باشند.

مساحمه جنجالی سیمپسون (فوتبالیست باز نشسته‌ی آمریکایی) به خاطر قتل همسر ودوست همسر سابقش، توجه بین‌المللی را به خشونت و سوء استفاده در درون خانواده‌ها جلب کرده‌است. در پیرو، ۷۰ درصد تمامی جنایت‌های گزارش شده به پلیس مربوط به کتک کاری زنان توسط شوهران بوده‌است. در پاکستان، نخست وزیر این کشور خانم بی نظیر بوتو قویاً از یک مادر ۳۵ ساله که توسط همسرش سوزانده شده بود، دفاع کرد. خانم بوتو بعد از ملاقات این زن در بیمارستان اظهار داشت: هیچ بهانه‌ای برای این‌گونه رفتارها وجود ندارد. حضورم در اینجا پیامی به تمام کسانی است که تعالیم اسلامی را نقض می‌کنند و قوانین را زیر پا می‌گذارند. این‌گونه رفتارها تحمل نخواهد شد. کمسیون حقوق بشر پاکستان گزارش می‌دهد که از هر ۴۰۰ مورد خشونت خانوادگی در پنجاب پاکستان تقریباً نصف آن‌ها منجر به مرگ زنان می‌شود.

## اعمال سستی

در بسیاری از کشورها، زنان قربانی اعمال سستی (که حقوق انسانی آن‌ها را نقض می‌کند) می‌شوند. استمرار این معضل در این واقعیت نهفته‌است که اینگونه اعمال مضر، ریشه در سنت و فرهنگ جوامع دارند. بنا به گزارش سازمان بهداشت جهانی، زنان ۸۵ تا ۱۱۵ میلیون دختر و زن در سطح جهان از عواقب سوء ختنه شدن رنج می‌برند. هر ساله حدود دو میلیون دختر به گونه‌های مختلف ختنه می‌گردند که بیشتر آن‌ها در آسیا و آفریقا زندگی می‌کنند. هر چند این پدیده در کشورهای اروپایی ممنوع اعلام شده است ولی بعضی از خانواده‌های مهاجر مرتکب به چنین اعمال غیربهداشتی و غیر انسانی می‌شوند. این اتفاق نظر اکنون در سطح جهان به وجود آمده که مؤثرترین راه مقابله با این پدیده، ترویج بهداشت و آموزش همگانی است تا مردم از پیامدهای منفی اینگونه اعمال آگاه شوند.

## ترجیح پسر

ترجیح فرزند پسر در بسیاری از کشورها به ویژه در آسیا شایع است. عواقب این مسئله ابعاد وخیمی چون قتل جنین به جرم مؤنث بودن در پی دارد.

در چین و هند، بعضی از زنان به محض این‌که می‌فهمند جنین‌شان دختر است، آنرا سقط می‌کنند ولی در مورد پسر، مرحله‌ی آسستی را به اتمام می‌رسانند، بنا به گزارشات مختلف، آزمایش‌های ژنتیک برای تشخیص جنسیت، یکی از کارهای پرسود در هند و مناطق شمالی به شمار می‌آید. اکنون در بسیاری از مراکز بهداشتی هند، مشاوراتی پیدا شده‌اند که به زنان پیشنهاد می‌کنند به جای این‌که این همه برای دخترتان خرج کنید، می‌توانید با ۳۸ دلار اصل مسئله را پاک نمایید یعنی این‌که با ۳۸ دلار به آسستی دختر پایان دهید. نتایج تحقیقات در یکی از بیمارستان‌های بمبئی نشان می‌دهد که ۹۵/۵ درصد جنین‌های سقط شده دختر بودند در حالیکه سقط جنین پسر بسیار کم بوده است. ترجیح فرزند پسر در بسیاری از کشورهای شایع است. وقتی که از «محمدعلی» یکی از بکسورهای معروف آمریکا پرسیدند که پدر چند

فرزند هستی؟ جواب داد: یک پسر و ۷ «اشتباه».

## خشونت‌های مربوط به

## ازدواج‌های زودرس

## و مسئله‌ی جهیزیه

در بعضی از کشورها، ازدواج‌ها مشروط به پرداخت جهیزیه معین از طرف خانواده عروس است و در صورت ناتوانی خانواده عروس از انجام تعهدشان، خشونت (علیه زنان) قضیه را فیصله می‌دهد.

در بنگلادش وقتی دامادی دید که جهیزیه عروس کمتر از آن چیزی است که باید باشد، اسید روی زنش پاشید. در هندوستان به طور متوسط ۵ زن در روز به خاطر مسائل مربوط به جهیزیه سوزانده می‌شود. (بسیاری از موارد نیز گزارش نمی‌شود).

ازدواج زودرس به ویژه مواردی که بدون رضایت دختر انجام می‌گیرد، یکی دیگر از اشکال نقض حقوق انسانی زنان است. ازدواج زودرس و متعاقب آن آسستی‌های زود هنگام پیامدهای ناگواری برای دختران دارد.

## تجاوز به عنف

تجاوز به عنف از پدیده‌های منفوری است که در اقصی نقاط عالم و به اشکال مختلف دیده می‌شود. آمارهای رسمی در آمریکا جاکسی از این است که در هر ۶ دقیقه یک زن مورد تجاوز قرار می‌گیرد. در بسیاری از کشورها، رفتارهای خشن جنسی شوهران علیه همسرانشان یک امر پذیرفته شده تلقی می‌شود، در حالیکه این امر با هرگونه موازین انسانی منافات دارد. بسیاری از زنان در محل‌های کار خود در معرض تهدید جنسی کارفرمایان و مدیران خود قرار دارند و در صورت اجتناب، از ادامه کارشان جلوگیری می‌شود. بسیاری از زنان نیز به خاطر اجبار شوهر، پدر و دیگر بستگانشان تن به خود فروشی می‌دهند. بسیاری از زنان نیز قربانی دلالان جنسی می‌گردند.

## خشونت علیه زنان مهاجر

هر چند کارگران مهاجر برای کشورهای فرستنده و پذیرنده از لحاظ اقتصادی سودمندند ولی بسیاری از آنها به ویژه زنان در معرض تهدید جدی قرار دارند. گزارش‌های رسیده از خاورمیانه و کشورهای خلیج فارس حکایت از این دارد که حدود ۱/۲ میلیون زن (که عمدتاً آسیایی هستند) در مشاغلی چون کلفتی مشغول به کارند. گزارش‌های طرفداران حقوق زنان بسیار درناکند. طبق این گزارشات بسیاری از زنان کارگر مهاجر در سکوت از طرف کارفرمایانشان مورد سوءاستفاده و آزار و اذیت قرار می‌گیرند و مراجع قانونی نیز سکوت می‌کنند و بعضاً خودشان مرتکب جنایت و خشونت علیه زنان مهاجر می‌گردند.

## خشونت علیه زنان

## در موقعیت‌های جنگی

امروزه تجاوز به عنف یکی از ابزارهای جنگی از سوی طرف‌های درگیر استفاده می‌شود. این پدیده شوم در نقاط مختلف جهان مانند مکزیک، رواندا، کویت، هائیتی، کلمبیا و بوسنی مشاهده شده‌است. تجاوز به عنف، در جنگ بوسنی به عنوان یکی از استراتژی‌های جنگی مورد استفاده قرار گرفته‌است.

## گوناگون

## «گفتگوی انتقادی» جامه نو می‌پوشد

با بی‌اعتبار شدن هر چه بیشتر «سیاست گفتگوی انتقادی» و افزایش فشارها از سوی اپوزیسیون ایران و محافل بین‌المللی بر کشورهای اروپایی برای ترک این سیاست، دولت آلمان که یکی از طراحان و حامیان اصلی سیاست مزبور به شمار می‌رود و از آن عمدتاً به عنوان سرپوش فریبنده‌ی برای روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی گسترده‌ی خود با جمهوری اسلامی سود می‌جوید. اینک در صد برآمده که این سیاست را تحت نام دیگری ادامه دهد، به این امید که هم از شدت فشارها و انتقادات بکاهد هم مناسباتش با جمهوری اسلامی دچار افت و خلل نشود. به نوشته‌ی روزنامه فرانکفورتر روندشاو دولت ائتلافی آلمان و اپوزیسیون این کشور، در حال دستیابی به توافقی هستند که به موجب آن دیگر نباید نامی از «گفتگوی انتقادی» به

با بی‌اعتبار شدن هر چه بیشتر «سیاست گفتگوی انتقادی» و افزایش فشارها از سوی اپوزیسیون ایران و محافل بین‌المللی بر کشورهای اروپایی برای ترک این سیاست، دولت آلمان که یکی از طراحان و حامیان اصلی سیاست مزبور به شمار می‌رود و از آن عمدتاً به عنوان سرپوش فریبنده‌ی برای روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی گسترده‌ی خود با جمهوری اسلامی سود می‌جوید. اینک در صد برآمده که این سیاست را تحت نام دیگری ادامه دهد، به این امید که هم از شدت فشارها و انتقادات بکاهد هم مناسباتش با جمهوری اسلامی دچار افت و خلل نشود. به نوشته‌ی روزنامه فرانکفورتر روندشاو دولت ائتلافی آلمان و اپوزیسیون این کشور، در حال دستیابی به توافقی هستند که به موجب آن دیگر نباید نامی از «گفتگوی انتقادی» به

## چهره فساد و رشوه خواری در کشورهای جهان

سنگاپور که در جدول مورد نظر رتبه هفتم را به خود اختصاص داده، بعنوان اولین کشور آسیایی در سلامت اقتصادی شناخته شده است. پس از این کشور، ژاپن، هنگ‌کنگ از آسیا در مقام‌های هفدهم و هجدهم قرار دارند.

در آمریکای لاتین شیلی کم فسادترین کشور منطقه می‌باشد و در جدول در رتبه بیست و یکم قرار دارد. پس از پیلی، آرژانتین و بولیوی از آمریکای جنوبی در رتبه‌های سی و پنجم و سی و ششم قرار دارند. در میان کشورهای جنوب صحرائی آفریقا، آفریقای جنوبی بعنوان کشوری با فساد کمتر در رتبه بیست و سوم قرار دارد.

لهستان و جمهوری چک از بلوک شرق سابق در رتبه‌های ۲۴ و ۲۵، اردن بعنوان اولین کشور عرب در رتبه ۳۰ و مصر در رتبه ۴۱ قرار دارند و روسیه رتبه ۴۷ را بخود اختصاص داده است.

سازمان شفافیت بین‌المللی که مقر آن در برلین است، رشوه‌خواری و فساد مالی را بعنوان سو استفاده از قدرت عمومی برای کسب سود شخصی تعریف می‌کند.

## ارقام نگرانی آور

در ۱۰ سال اول پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی که برنامه تنظیم خانواده و کنترل جمعیت مخالف احکام اسلام شناخته می‌شد رشد جمعیت در کشور چنان افزایش یافت که اثرات مخرب آن به رغم کنترل‌های شدیدی که حکومت اسلامی اینک مدعی اجرای آنهاست تا دو، سه دهه دیگر نیز بر جا خواهد ماند. طی دهه‌ی مزبور جمعیت کشور به دو برابر افزایش یافت و هم‌اینک به گفته میریاباری معاون رفسنجانی، ایران پس از مکزیک جوان‌ترین کشور دنیاست. ۷۵ درصد جمعیت در حال حاضر

کمتر از ۳۰ سال سن دارند و از هر چهار نفر ایرانی سه نفر زیر ۳۰ سال هستند. متوسط سنی جمعیت کشور کمتر از ۱۷/۵ سال است.

جوانی غیر متعارف ترکیب جمعیت، شمار بالای جوانان و نوجوانان در کشور بار سنگینی بر بخش‌های آموزش، مسکن، تغذیه و اشتغال تحمیل می‌کند که نظام جمهوری اسلامی به سختی قادر به پاسخ‌گویی به آنهاست. این امر آینده جامعه‌ی ایران را در معرض مخاطرات اجتماعی قسماً غیر قابل جبرانی قرار می‌دهد.

## فقر مشکل عمده کشورهای در حال توسعه

بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود در باره کاهش فقر و پیشرفت جهان در سالهای دهه ۹۰ گفته است اگر چه نسبت جمعیت فقرا در کشورهای در حال توسعه رو به کاهش گذاشته، اما به علت رشد سریع جمعیت آنها، تعداد کسانی که درآمدشان معادل یا کمتر از یک دلار در روز است، از ۱/۲۳ میلیارد نفر در سال ۱۹۷۸ به ۱/۳۱ میلیارد نفر در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است.

مردم کشورهای در حال توسعه اکنون در مقایسه با یک نسل پیش در شرایط بهداشتی بهتری بسر می‌برند و طول عمر آنها افزایش یافته اما در این کشورها سالانه نیم میلیون مردم کشورهای در حال توسعه اکنون در مقایسه با یک نسل پیش در شرایط بهداشتی بهتری بسر می‌برند و طول عمر آنها افزایش یافته اما در این کشورها سالانه نیم میلیون

## آلمان: کشور سالخوردهگان

در حال حاضر در آلمان بیش از ۴ هزار نفر که در سنین بیش از صدسالگی هستند، زندگی می‌کنند. به گزارش دانشگاه «هایدلبرگ» آلمان در سی سال گذشته تعداد آلمانیهای سنین بالا بطور چشمگیری افزایش

## عشق و عاشقی سن و سال نمی‌شناسد

نلسون ماندلای ۷۸ ساله همین چندی پیش هنگامی که برای یک دیدار رسمی به لندن رفته بود اعلام کرد که سن و سالش مناسب شرکت مجدد در انتخابات ریاست جمهوری نیست و بهتر آن است که این سمت به فرد جوان‌تری واگذار شود. اما شمول این سخن ظاهراً فقط به فعالیت سیاسی ماندلا محدود می‌شود و به معنای ضعف و ناتوانی او در سایر عرصه‌ها و به ویژه عشق و دلدادگی نیست، چرا که او ۹ ماه پس از جدایی از همسر دومش، وینی ماندلا، حالا دلداری دیگری دارد که به تازگی عکس روبوسی‌اش با او به مطبوعات کشیده شده است. دلداری سوم ماندلا کسی جز گراسا ماشل، همسر سابق سامورا ماشل رئیس جمهور

فقیه موزامبیک نیست. سال ۱۹۸۶ با مرگ ناگهانی سامورا ماشل، سرپرستی ۷ فرزند مشترک وی و گراسا ماشل را اولیور تامبور، رهبر کنگره ملی آفریقا به عهده گرفت. چند سال پیش با مرگ تامبو، نلسون مادلا در این زمینه قبول مسئولیت کرد و همین امر به آشنایی و دلدادگی وی به گراسا ماشل منجر شد. گراسا که خود ۵۰ سال دارد از چهره‌های برجسته و محبوب موزامبیک به شمار می‌رود.

او ضمن رسیدگی به وضعیت کودکان آسیب‌دیده از جنگ، سرپرستی دفتر یونیسیف در آفریقای جنوبی را نیز به عهده دارد.

## انشقاق میان مشروطه خواهان ایران

شماره تیرماه «راه آینده»، ارگان سازمان خود نوشته است، گسستی را که در بالا از آن یاد کردیم، به صراحتی کمابیش، چنین تایید می‌کند: «هر گردهمایی بزرگ سازمان ما کم یا بیش به صورت صحنه برخورد نظرات و عادت‌های ذهنی دو گرایش متمایز هواداران پادشاهی در می‌آید: گرایش سنتی که گروه‌های بسی شمار سلطنت طلب در این سال‌ها نماینده آن بوده‌اند، و گرایش مشروط خواهی که از هنگام پایه گذاری سازمان مشروطه صدا و چهره مشخص خود را یافته است.»

بدین ترتیب گرایش دوم، با کشیدن خط تمایزی میان خود و «گروه‌های سنتی»، دعوی بر تمامیت مشروطه خواهی را پیش می‌کشد. تا اینجا مساله خاصی پیش نمی‌آید؛ بلکه مساله خاص هنگامی پیش می‌آید که «سازمان مشروطه خواهان»، پس از داریوش همایون در مقاله‌ای که در

گسستش مباحث در درون مشروطه خواهان ایران آنها را عملاً به دو جناح متمایز تقسیم نموده است. چهره شناخته یکی از این جناح‌ها داریوش همایون است. این جناح بر این اعتقاد است که در پادشاهی مشروطه، شاه وظیفه مستقیم رهبری سیاسی را عهده‌دار نیست و سازمانهای مشروطه خواه می‌توانند خود رهبری و سیاست خود را تعیین کرده و در راه برقراری سلطنت مشروطه بکوشند. جناح دیگر با عنوان سازمان مشروطه خواهان ایران - خط مقدم به رهبری خوانساری بر این نظر است که سازمانهای مشروطه می‌بایست هر یک مستقیماً با پادشاه در رابطه بوده و توسط ایشان رهبری شوند. نشریه که بهمان لندن در آخرین شماره خود در چابنداری از این جناح گزارشی از موضوعات مورد اختلاف درج نموده است. ما در زیر متن این گزارش را درج می‌کنیم:

«در حالی که گسست میان دو سازمان اصلی مشروطه خواه - خط مقدم» و «سازمان مشروطه خواهان

## مصاحبه حسین الله کرم رئیس گروه انصار حزب الله

این است که زمان را از این جریان بگیریم. وی در ادامه مصاحبه به این نظر اشاره می‌کند که جنگ جهانی چهارم بین «شمال دارنده تکنولوژی» و «جنوب دارنده معنویت» است و بر اساس این ایده، اروپایی‌ها تهاجم فرهنگی کشور ما را سازمان داده‌اند. وی می‌گوید اوج این تهاجم در زمان بنی صدر بود ولی در آن زمان لیبرالها و مرتبطین با غرب پرچم داشتند و آشکار بودند ولی امروز ما لیبرالیسم را با نقاب می‌بینیم. آنها از نیروهای خودی پارکیری کرده‌اند. رئیس گروه انصار حزب الله، نیروهای درون رژیم را به ۴ دسته تقسیم می‌کند. دسته اول کسانی که از انقلاب عقب مانده و بریده‌اند. دسته دوم کسانی که از انقلاب راست از نظام جدا بکنند، در حالی که تمام اینها جزو اصولگراها هستند و ما سمت و سوی مبارزه را در دو جبهه و دو جریان لیبرالیسم و جریان اصولگرایی می‌بینیم. در پی اثبات همین نظر هم خواستار همگرایی اصولگراها در یک جبهه با همدیگر بودیم. و سپس ادامه می‌دهد:

«در مجلس پنجم یک اتفاق عجیبی افتاد که نشریات کمتر به آن پرداختند و سخن انصار حزب الله در اینجا است. آنجایی که گروهی و جناحی به اسم خط امام با جناح کارگزار اتحاد کردند و تدقیق شدند و رای‌شان را یکی کردند تا هیأت رئیسه مجلس و ریاست مجلس را به دست آورند، سوال ما این جا است. آیا خط امام با تکنوکرات‌ها می‌تواند کنار بیاید؟ این چه اتحاد و چه اتفاقی است؟ آیا خط امام می‌تواند با سرمایه‌داری و لیبرالیسم کنار بیاید؟ اینها باید پاسخگو باشند. این دیگر خط امام نیست.»

نشریه صبح ارگان افراطی‌ترین نیروهای درون رژیم اخیراً مصاحبه‌ای با حسین الله کرم رئیس گروه انصار حزب الله انتشار داد. در این مصاحبه حسین الله کرم سابقه تشکیل گروه انصار حزب الله را به دوران تسخیر سفارت آمریکا و حمله به جادر وحدت سازمان مجاهدین و سپس میتینگ‌ها و تظاهرات آن دوران برگردانده و مطرح می‌کند که از ۳ سال پیش فعالیت سازمان یافته این جریان در دوران جدید با فتوی خامنه‌ای بر ضرورت احیای به معروف و نهی از منکر آغاز گردید.

وی در رابطه با حمله به سخنرانی آقای سروش می‌گوید:

استحاله فرهنگی یک موضوع جدی است که از بیرون کشور هدایت می‌شود و بعضی از خودی‌ها هم از آن خواسته یا ناخواسته دفاع می‌کنند. ما با یک تفکری که در پی مخالفت با حکومت دینی بود روبرو بودیم و این جریان در حال پارکیری بود و به عنوان یک حزب مخفی عمل می‌کرد. در دانشگاه‌های متعدد، سخنرانی‌های متعدد با استفاده از بیت‌المال صورت می‌گرفت در حالی که بستر مناسب خودش را هم نداشت. چون می‌دانید اگر یک تفکری دنبال احیاءگری دین باشد بسترش حوزه‌ها و مدارس علمیه است و اگر یک بحث علمی و فلسفی باشد، بستر مورد نیازش کلاس‌های دانشگاهی است. اما بستر یک تفکر سیاسی می‌تواند هر جایی باشد. می‌تواند در یک جمع دانشجویان مبتدی و در یک محفل عمومی صورت بگیرد. بنا بر این مسئله دانشکده فنی برخلاف آنچه می‌گویند یک بحث فکری نبود، بلکه یک بحث سیاسی بود.

ما به دنبال این بودیم که این حزب سیاسی مخفی، علنی بشود. حزبی که دقیقاً معتقد است حکومت دینی نمی‌تواند مدیریت اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و اقتصادی جامعه را در دست داشته باشد. به دنبال فعالیت این

## تظاهرات به مناسبت کشتار سالگرد زندانیان سیاسی

محکوم نمودند و به سیاست دولت آلمان در قبال ایران اعتراض نمودند. شرکت کنندگان در این تظاهرات هزاران برگ گل به رودخانه رایین ریخته و بدین وسیله یادگشته شدگان این روز را گرامی داشتند.

به دعوت جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران روز ۱۰ شهریورماه به مناسبت سالگرد اعدام دسته جمعی زندانیان سیاسی در کلن تظاهراتی برگزار گردید. شرکت کنندگان در این تظاهرات سرکوب و اختناق در ایران را

## ملاقات

رجوی، محمد علی جابربزاده، عباس داودی و محمد سیدالمحدثین از طرف شورای ملی مقاومت حضور داشتند. در این ملاقات طرفین با تأکید بر ضرورت استمرار و ارتقای روابط فیما بین بر توافق‌های قبلی تأکید کرده و خواستار همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای مبارز کرد ایرانی در برابر دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر کشور شدند.

بنا به گزارش نشریه ایران زمین، روز ۳۱ مرداد ماه گذشته، دیداری بین رهبری حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) و رهبران سازمان مجاهدین انجام گرفت. در این ملاقات که پس از تغییر جلیل‌گادانی دبیر کل این حزب و انتخاب حسن رستگار بعنوان دبیر کل صورت گرفت؛ حسن رستگار، جلیل‌گادانی، هاشم کریمی و ابوبکر از رهبران این حزب و مسعود

## اطلاعیه مطبوعاتی

فرزند کمال که در نیمه دوم ماه مرداد دستگیر شده بود در اثر شکنجه‌ی عوامل اطلاعات رژیم جان خود را از دست داده و جنازه‌ی وی به خانواده‌اش تحویل داده شد.

۲- عثمان فرزند عبدالله ساکن سردهشت که در سال ۱۳۷۳ به اتهام همکاری با حزب دمکرات دستگیر شده بود، در نیمه دوم مرداد ماه در زندان خانه معلمان سردهشت در انتظار عموم بدار آویخته شد.

هفته گذشته دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران اطلاعیه مطبوعاتی در رابطه با دستگیری‌های وسیع در کردستان انتشار داد. در این اطلاعیه آمده است: «بدنیال شکست متضخانی که نیروهای جمهوری اسلامی ایران در تحقق اهداف خویش از یورش به قرارگاه‌های مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران و کپه‌های پناهندگان کرد ایرانی، در کردستان عراق در روزهای ۲۸ و ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۶، عوامل رژیم به منظور زهر چشم گرفتن از مردم کردستان و جبران این شکست، اقدام به دستگیری و شکنجه و اعدام جوانان کرد نموده‌اند. این موج دستگیری که از نیمه دوم مرداد ماه شروع شده و تاکنون ادامه دارد شامل بسیاری از شهرهای کردستان از جمله نغده، پیرانشهر، اشنویه، مه‌باب و سردهشت می‌باشد، طی این مدت صدها نفر از جوانان کرد به اتهام داشتن ارتباط با حزب دمکرات و یا هواداری از آن دستگیر شده‌اند.

از طرف دیگر:

۱- در شهر نغده، سلیمان قیطان

## اطلاعیه پیرامون حملات نظامی آمریکا

با توجه به نیازهای طرف‌های درگیر، آنها را به آلت دست این یا آن دولت نیز تبدیل کرده است. تا آنجا که تاسی به ارتش عراق را برای یکی از طرفین جنگ موجه ساخته است. بر زمین همین واقعیت نیز، دولت عراق با شعار همیشه خود، حفظ تمامیت ارضی عراق، نیروی سرکوب خود را دوباره روانه کردستان نموده است تا در ظاهر دخالت به نفع یکی از طرفین، بار دیگر زمینه سرکوب مجدد و چندمین باره این جنبش را فراهم آورد.

اصلاً دولت آمریکا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، با استفاده از همین اقدام عراق و با مستمسک قرار دادن حضور نظامی دولت عراق در کردستان، به گسترش حوزه اختیارات خود در جنوب عراق دست یازید.

هفته گذشته سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در رابطه با حملات نظامی آمریکا به عراق اطلاعیه‌ای صادر نمود. در این اطلاعیه آمده است:

«با حمله آمریکا به عراق، هم اکنون می‌توان گفت در عراق سه جنگ هم‌زمان در جریان است. سه جنگی که مثل یک زنجیر به هم پیوسته‌اند، هر کدام بهانه خود را از جنگ ماقبل خود گرفته‌اند؛ اما اهداف ویژه خود را دنبال می‌کنند. جنگ بین دو نیروی اصلی کرد در منطقه کردستان عراق که تاکنون بهانه‌ای برای مداخلات کشورهای همسایه در امور این منطقه بوده است، زمینه ساز اصلی بحران فعلی در عراق است. ادامه درازمدت این جنگ نه فقط جنبش مردم کردستان را تضعیف نموده است، بلکه

<p>«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p>	
<p>دارنده حساب: I.G.e.v</p> <p>شماره حساب: 22442032</p> <p>کد بانک: 37050198</p> <p>Stadtsparkasse Koeln Germany</p>	<p>Verleger: I.G.e.v</p> <p>I.G.e.v</p> <p>Postfach 260268</p> <p>50515 Koeln Germany</p>
<p>بهای اشتراک «کار»</p> <p>اروپا:</p> <p>شش ماه - ۴۵ مارک</p> <p>یک سال - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>شش ماه - ۵۲ مارک</p> <p>یک سال - ۱۰۴ مارک</p> <p>GER.....3 DM</p>	<p>فرم درخواست اشتراک «کار»</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/> شماره اشتراک: ( )</p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یک سال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس «کار» پست کنید!</p>
<p>شماره فاکس: 0049 - 221 - 3318290</p>	

مصاحبه روزنامه فرانکفورتر روند شاو با ابوالحسن بنی صدر

نهما «رهبر» اختیار دستور ترور را دارد

روزنامه آلمانی فرانکفورتر روندشاو در شماره ۱۵ سپتامبر (۲۰ شهریور) خود، مصاحبه‌ای با ابوالحسن بنی صدر چاپ کرده است که ترجمه آن را در زیر درج می‌کنیم.

فرانکفورتر روندشاو در مقدمه‌ای بر این مصاحبه می‌نویسد: ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور پیشین ایران، که از ۱۹۸۱ در فرانسه در تبعید به سر می‌برد، در سه روز از محاکمه پرونده میکوثوس در برلین به عنوان شاهد حضور داشت. دادگاه برلین، سرگرم بررسی قتل‌های سیاسی صورت گرفته در زمان برگزاری کنفرانس بین‌المللی سوسیالیست در سپتامبر ۱۹۹۲ در برلین است که قربانیان آن، رهبران حزب دمکرات کردستان ایران بودند. آخر هفته گذشته، کارل - هاینس باوم خبرنگار فر. (فرانکفورتر روندشاو) در برلین با بنی صدر گفتگویی انجام داد.

چشم خود دیده است؟  
بنی صدر: تا کنون از او نرسیده‌ام که به چشم خود این سند را دیده است یا نه. او شهادت داده است که این دستور به طور قطعی وجود دارد و توضیح نیز داده است که چرا برای چنین تروری، یک فتوای مذهبی لازم است. در اسلام هیچ کس مجاز به کشتن دیگری نیست مگر اینکه یک رهبر مذهبی، او را از گناه مبری کند. در زمان آیت‌الله خمینی، برخی قضات اختیار داشتند چنین تصمیماتی را رأساً اتخاذ کنند.

در دوره بعد از خمینی، تغییراتی ایجاد شد: یک «شورای امور ویژه» مسئول چنین تصمیماتی شد. این شورا در تابستان ۱۹۹۲ به دنبال تصفیه طرفداران خمینی و تجدید سازمان حزب‌الله در لبنان و اوآک در ایران تشکیل گردید. این امر به کلی سری بود و در ایران نیز کسی از آن خبر نداشت. از آن هنگام، فقط رهبر است که اختیار صدور چنین دستوراتی را دارد. اصولاً باید همواره یک فرمان کتبی صادر شود. مسئول تیم ترور میکوثوس و همچنین افراد مهمی که در این کار شرکت داشتند، این فرمان را دریافت کرده‌اند و بدین ترتیب موظف شده‌اند که این دستور را به عنوان یک فتوای مذهبی اجرا کنند. ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در برلین، اولین اقدام به دستور شورا بود.

آیا برای عملیات دیگر نیز چنین فرامینی وجود داشته است؟ آیا قتل زهرا رجبی از شورای ملی مقاومت ایران در قوریه در ترکیه از این زمره بود؟  
بنی صدر: قتل خانم رجبی از مجاهدین خلق، در مقوله دیگری است، چرا که حکومت با این گروه در جنگ است. در چنین موردی، فتوا برای تک‌تک افراد این گروه ضروری نیست، چرا که پس از قتل آنها عواقب چندانی انتظار نمی‌رود. اما بر خلاف این مورد، در دو مورد دیگر - ترور محمدحسین نقدی در ۱۹۹۳ در رم و ترور رضا مظلومان در ۱۹۹۶ در فرانسه - «شورای امور ویژه» فعال گردید و مانند مورد میکوثوس، دستور ترور را صادر کرد.

شما در دادگاه گفتید که مرکز سازمان امنیت ایران در اروپا در آلمان است. این مرکز کجاست؟  
بنی صدر: آری، این مرکز در آلمان است. از دو کنسولگری، یکی در هامبورگ و دیگری در فرانکفورت، به عنوان مراکز وزارت اطلاعات استفاده می‌شود، و کنسول‌های آن را وزارت اطلاعات مستقیماً تعیین می‌کند.

علیرغم اظهارات شما، قرار است «گفتگوی انتقادی» دولت آلمان و آخوندها ادامه یابد. آیا این امر مورد انتقاد شماست؟  
بنی صدر: من همواره گفته‌ام که «گفتگوی انتقادی»، نه گفتگو است و نه انتقادی. مشی ما این است: نه تنها نباید دست ایران در ارتکاب قتل باز گذاشته شود و نه باید به ایران اعتبار داده شود. من با سیاست آمریکا علیه ایران نیز مخالفم. این سیاست حتی

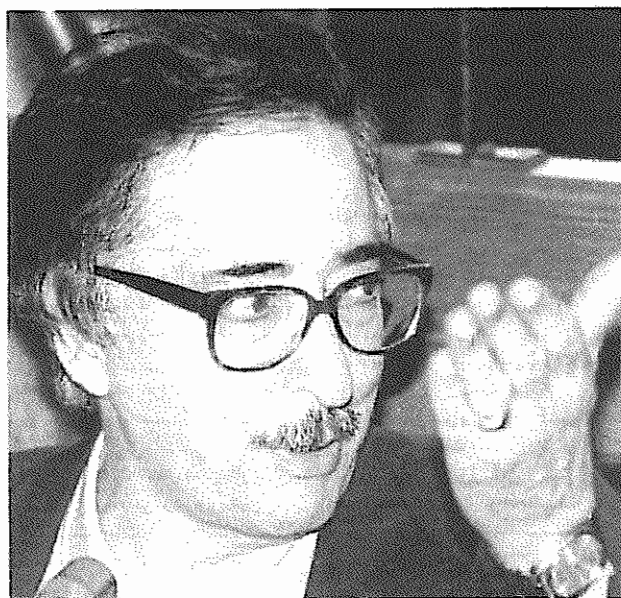
شما در سومین روز بازپرسی، به یوست دادستان فدرال، وعده اطلاعات جدید دادید. در عین حال شما گفتید که امکان برقراری تماس مستقیم با منابعی را فراهم خواهید کرد که تا به حال از قول آنها سخن می‌گفتید. این امر می‌تواند بسیار بر اعتبار شما شهادی مانند شما که اظهاراتش تا به حال بر شنیده‌ها استوار بوده است، بیافزاید. آیا شما به این وعده خود عمل کرده‌اید؟

بنی صدر: آری، من با دادستان فدرال صحبت کرده‌ام و به او اسامی تعدادی از مأموران اوآک در آلمان را داده‌ام. من توضیح دادم که نحوه اداره سازمان امنیت، اوآک، چگونه است. اسامی چهار نفر از اوآک را دادم و گفتم که علی فلاحیان، وزیر اطلاعات، چهار معاون دارد. دو نفر از آنان را خود سید علی خامنه‌ای، رهبر مذهبی ایران، انتصاب می‌کند. یکی از این دو که نامش میرحمیدی است، بر همه امور مربوط به کردستان نظارت دارد. بنابراین همه امور کردستان زیر نظر مستقیم خامنه‌ای است.

اعتبار من بسته به این نیست که ترتیب تماس با شهود را بدهم. من از سال‌ها پیش، تحولات ایران را دنبال و در مورد آن تحقیق می‌کنم. یک سال پیش من اطلاعات خود درباره شبکه و سیستم ترور ایران منتشر کردم. در آوریل امسال، هرچه درباره ساختار این شبکه می‌دانستم، به اطلاع دادستان رساندم. تماس با منابعی که می‌توانند اطلاعاتی را که داده‌اند تأیید کنند، تنها زمانی برقرار شد که دادستان فدرال از من بازجویی کرد. آنها دانسته‌های ما را تأیید و تکمیل کردند. من اکنون به دادستان گفته‌ام که چگونه می‌تواند با خود آنها صحبت کند. دادستان می‌تواند با یکی از آنها فوراً تماس بگیرد. برای تماس با دیگری، تدارکاتی لازم است.

آیا صحت دارد که این منابع که دیگر در ایران نیستند، از اطرافیان پسر آیت‌الله روح‌الله خمینی بوده‌اند؟  
بنی صدر: آری، در مورد یکی از آنها صحت دارد. مرگ احمد خمینی در پرده‌ای از ابهام است.

شما از یک دستور کتبی برای قتل در برلین خبر داده‌اید که آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر مذهبی ایران و جانشین خمینی امضا کرده است. آیا منبع خبر شما، این دستور کتبی را به



بدتر است. جنایات آنهاست که اصلاً چنین ترورهایی را امکان‌پذیر می‌کند. آمریکا هم به منابع ایران علاقه دارد و هم به انزوای ایران. همه کارهای آنها در مجموع، مردم را تحت فشار قرار می‌دهد و نه حکام را. دولت آلمان نیز مانند دولت فرانسه، مدت‌هاست که در جریان دخالت ایران در عملیات تروریستی است. در لبنان مذاکراتی با برن شمیدابوئر وزیر آلمانی در لبنان انجام شد، و مشابه آن نیز قبلاً به دستور ژاک شیراک نخست‌وزیر وقت فرانسه انجام شده بود. این دستور همین چندی پیش منتشر شد.

شما از دخالت سیاستمداران آلمانی در روه‌خواری، قاچاق اسلحه و ماجرای ایران - کنترا سخن گفته‌اید (در ماجرای ایران - کنترا به طور غیرقانونی از آمریکا به ایران اسلحه فرستاده شد و از درآمد حاصل از آن، به کنترا در نیکارا گونه کمک کردند - فر. آری، آیا می‌توانید در این مورد بیشتر بگویید؟

بنی صدر: مهم‌ترین مذاکرات در ماجرای ایران - کنترا بین ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها در آلمان صورت گرفتند، برخی در فرانکفورت. قطعاً دولت آلمان از آن خبر دارد. در آن زمان، شرکت‌های آلمانی به ایران اسلحه و تجهیزات کارخانه‌های اسلحه‌سازی دادند. ماجرای پارشل که تا امروز روشن نشده است، به این موضوع مربوط است. قطعی است که اووه پارشل در چنین معاملات اسلحه دخالت داشت.

آیا شما برای این ادعا مدرک مشخصی دارید؟  
بنی صدر: سند کتبی ندارم. اما شواهدی بر این امر وجود دارد که او مانیجی معاملات اسلحه با ایران بود. رفیق دوست، مأمور خرید اسلحه ایران، هنگامی که پارشل در ژنو به قتل رسید، در این شهر بود. گفته می‌شود احمد پسر خمینی نیز در آنجا بوده است.  
در مورد روه‌خواری: این امر در پارلمان ایران علنی شد. به قرار، از یک سفارش میلیاردی به آلمان، نیسی از آن صرفاً روه‌خواری بوده است.

در حال حاضر آرایش قوا در ایران چگونه است؟  
بنی صدر: رژیم در پی انتخابات

برای شهادی کریلا (رنج کشیدن برای رنج انسان‌ها) در نگاه گروه‌های اقتدارگرا به زرادخانه‌های برای محوریت مصیبت و ایزاری برای توسل به زور برای اجرای احکام اسلامی مبدل شده است کسانی که احساس مصیبت به خاطره قومی آنها تبدیل شود هر لحظه آمادگی توسل به زور برای فرا رفتن از این احساس مصیبت را داشته‌اند.  
۵- عدم اصول‌گرایی: هنگامی که قدرت به مرتبه حق صعود

اقتدار گرایی دینی...

متوجه به عمل است. عمل‌گرایی بدون روش و حرکت گام به گام تا هدف در احساس تکلیف برای رسیدن به نتیجه به هر طریق ممکن، به اعمال خشونت می‌انجامد. تنها مانع این خشونت رنج کشیدن از رنج انسان‌هاست. مایه اصلی عزاداری

مسائل توسعه

هندوستان رقیب «بیرها»

سود می‌برند. صادرات هندوستان به کشورهای (Asean) اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند بین سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ دو برابر شده و به ۵ میلیارد دلار رسیده است و شرکت‌های کشورهای آسه‌آن بشدت در حال سرمایه‌گذاری در هندوستان می‌باشند. استیاز هندوستان در مقابل کشورهای آسه‌آن از یکطرف بزرگی این کشور و از طرف دیگر به همان نسبت برخوردار بودن از پتانسیل نیروی کار بیشتر است که به سرعت تحلیل نخواهد رفت. تنها عیب این کشورها با نیروی کار ارزشناشان پائین بودن کیفیت کار یعنی بالا بودن میزان اشتباهات و در نتیجه ریزش قابل استفاده بودن بخش زیادی از قطعات تولیدی می‌باشد. صاحبان صنایع سعی دارند تا این مشکل را از طریق ایجاد صنعت و محل کار ویژه برطرف نمایند.

در دسامبر امسال اولین کنفرانس بزرگ سازمان تجارت جهانی (WTO) که وظیفه‌اش کنترل تجارت جهانی می‌باشد در سنگاپور برگزار خواهد شد. صاحبان صنایع و شرکتها شدیداً مخالف بحث پیرامون مزد و مزایا، کار کودکان و هم چنین حفظ محیط زیست در این کنفرانس می‌باشند. آنها معتقد هستند که این مسئله تنها مخارج بیشتری را به دنبال داشته و امکان رقابت آنها را کمتر خواهد نمود.

یک پنجم بازرگانی خارجی در آسیای جنوب شرقی بین کشورهای عضو آسه‌آن و قسمت اعظم آن با آمریکا و اروپا صورت می‌گیرد. تصمیم‌هایی را هم که تاکنون سازمان تجارت جهانی گرفته، معمولاً به نفع صاحبان شرکتها و به ضرر محیط زیست بوده است. در نتیجه سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند بدون رعایت حفظ محیط زیست در این کشورها ارزانت تر تولید کرده و این تولیدات را در اروپا بفروش برسانند و اینجاست که مقررات حفظ محیط زیست اروپا معنی و مفهوم خود را از دست میدهد.

مسئله‌ای را که کشورهای آسیایی به آن توجه نمی‌کنند اینست که رشد اقتصادی آنها را گریخته آنها در حال حاضر آینده آنها را تهدید خواهد نمود. ۱۲ شهر از ۲۵ متروپل جهان در آسیا قرار دارند که در سال ۲۰۰۰ بیش از ۱۰ میلیون جمعیت خواهند داشت. تمام شدن آب آشامیدنی این کشورها را تهدید می‌کند. در آینده‌ای نه چندان دور شهر ۳ میلیونی سنگاپور هم اگر که از سرعت رشد تعداد مصرف کنندگانش نگاهد با کمبود آب مواجه خواهد شد.

از کارخانه‌های قدیمی در حومه شهر مدرس که کارگرانش اخراج شده بودند، تنها تعدادی دستگاه باقی مانده بود. صاحبان قبلی کارخانه را فروخته و حالا دو تن از مدیران آلمانی در دفتر تعمیر شده این کارخانه نشستند. هندوستان به برق احتیاج دارد. شعبات کارخانجاتی که در این حوالی یکی پس از دیگری افتتاح میشوند همه تنها بازار مصرف هندوستان نیست. این منطقه با بندر کوچک اما مهم و مؤثر خود جهت صادرات از طریق خلیج بنگال به سایر کشورهای آسیای جنوب شرقی، که تشنه انرژی هستند، بسیار ایده‌آل می‌باشد. رقیب «بیرها» آسیایی، کشورهایی مثل هندوستان، بنگلادش، برمه و ویتنام می‌باشند که از نیروی کار ارزانتتری برخوردار هستند.

جدیدترین آمار بازرگانی خارجی کشور چین این منطقه از مشکل دیگری سخن می‌گوید. کمر صادرات سنگاپور شکسته شده است. کسری بازرگانی خارجی تایلند بین سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ از ۹/۳ میلیارد دلار به ۱۶ میلیارد دلار رسیده است. این کسری در همین سالها در فیلیپین یک سوم بیشتر یعنی به بیش از ۹ میلیارد دلار رسیده و بیلان مازنی بدتر از اینهاست. افزایش ۴/۷ میلیارد دلاری سال ۱۹۹۳، امسال تبدیل به کسری ۳/۸ میلیارد دلار گشته است. افزایش درآمد اندونزی امسال ۴/۵ میلیارد دلار بود اما باید در نظر داشت که در این کشور در سال ۱۹۹۳ دو برابر این مبلغ بوده است.

رشد اقتصادی این کشورها البته به این زودی تحت تأثیر این تغییر و تحولات قرار نخواهد گرفت اما تعداد شرکت‌هایی که جهت‌گیری خود را تغییر می‌دهند زیادتر می‌شود. بعنوان مثال تایلند بخاطر رشد حقوق با خروج روزافزون کارخانه‌های تولید پوشاک روبروست و از آنجایی که فروش کامپیوتر و دستگاههای الکترونیکی آنگونه که تولید کنندگانش انتظار داشته‌اند، نبوده است شرکت هیولت پاکارد تصمیم به بستن کارخانه‌اش در پنانگ (مالزی) گرفته است.

تا زمانی که اصطلاح جهانی شدن بازارها هنوز رایج نشده بود از این پدیده با عنوان «کارخانجات پرستویی» نام برده می‌شد: زمانی که شرایط تولید بر اساس خواسته و میل مدیران شرکتی نباشد، شرکت مربوطه به کشور بعدی که نیروی کارش ارزانتتر است «پرواز» می‌کند. کشورهایی مثل هندوستان از این پدیده هر چه بیشتر

کند و مشروعیت دینی نیز پیدا نماید، دیگر نمی‌توان از آن انتظار اصول‌گرایی داشت. اقتدارگرایی برای گسترش حوزه‌های تحت پوشش خود به یک ایدئولوژی تمامیت‌طلب نیاز دارد و همین ایدئولوژی که فراتر از همه ارزش‌ها (از جمله اصول‌گرایی) قرار می‌گیرد، اقتدارگرایی را از حداقل اصولی که تحت هیچ شرایطی نقض نشوند مبرا می‌دارد. ایدئولوژی اقتدارگرایی می‌خواهد همه عرصه‌های اندیشه و عمل انسانی را در برگیرد و از این جهت دیدگاه‌های انقلابی، تساهلی و عکس‌العکس‌ی دارد، ناکجاآباد آن هیچ‌گاه تحقق نمی‌یابد، هر چه از ایدئولوژی‌های آن صادر شود عین حقیقت و حقیقت محض است، سطوح گوناگونی که از تعهد به آن فرض می‌شود، در بنیادهای خود غیر عقلانی باقی می‌ماند، تعهد به ایدئولوژی را با منافع شخصی پیروان و ایدئولوژی‌ها پیوند می‌زند، از همگن بودن دوری می‌جوید، حقیقت آن فرا فردی است، مبداء تاریخ را ظهور خود می‌داند و ماقبل خود را همه، انحطاط و افول می‌انگارد و سطح عقلانی‌سازی آن در حد نیازهای ایدئولوگ‌هاست.

ایدئولوژی تمامیت‌طلب اقتدارگرایی دینی قابل تقلیل به نظریه‌ها و آرای هیچ یک از نظریه‌پردازان در حوزه‌های سنتی و گوناگون معارف دینی نیست، چون به صورت یک ایده تاریخی

فراشخصی و متحول عمل می‌کند که ظهور و موفقیت آن تحت تأثیر اندر کنش یا جدال با دیگر ساخت‌های ایدئولوژیک است و بیشتر به ایدئولوگ نیاز دارد تا نظریه‌پرداز. عمل به وظیفه یا تکلیف که ایدئولوژی‌ها بر آن بسیار تأکید دارند و آن را مبنای عمل قرار می‌دهند، اصول‌گرایی را کنار می‌زند چرا که به هنگام تقابل تکلیف دینی و اصول‌گرایی طبیعی است که دیندار، تکلیف را ترجیح می‌دهد. تمامیت‌طلب بودن این ایدئولوژی باعث می‌شود که اقتدارگرایان هیچ‌گونه قواعد بازی را برای مواجه با دیگران (غیر خودی‌ها) و کسب و حفظ قدرت نیپذیرند. در جامعه‌ای که اقتدارگرایی دینی غلبه پیدا کند - یا یکی از جناح‌های مؤثر بدان باور داشته باشد - امکان اصول‌گرایی متداول وجود ندارد و هر فرد یا گروه اصول‌گرا بزودی از صحنه خارج شود (البته این بدین معنا نیست که هر کس در این جامعه از صحنه خارج می‌شود اصول‌گرا باشد، بلکه گروه‌های بی‌شماری از اقتدارگرایان دینی به دلیل «حذقی» بودن بازی کنار می‌روند، ولی آنان که قاعده بازی را خوب می‌شناسند و همواره طرف گروهی را می‌گیرند که امکان بقای بیشتری دارند در صحنه می‌مانند و در سلسله مراتب قدرت جای می‌گیرند. ادامه دارد

## یلتسین بخشی از اختیارات خود را به نخست وزیر روسیه داد

یا بدون یلتسین این قشر هم چنان با نفوذ است.

### وزیر دفاع روسیه:

وضعیت ارتش بحرانی است.

رودنیف وزیر دفاع روسیه در مصاحبه با روزنامه «تراوسیمیا گازتا» چاپ مسکو در مورد وضعیت بحرانی ارتش روسیه هشدار داد.

او گفت: «که در ۳۰ ماه گذشته هزاران افسر ارتش دست به فرار از خدمت زده‌اند و تعداد پست‌های بلا تصدی افسران به ۶۴ هزار مورد رسیده‌است. و در شرایطی که نیروهای ارتش روسیه طی ماه‌های طولانی حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، فساد و رشوه‌خواری و جنایت، کار معمولی و تنها راه تأمین معاش نظامیان است.» او گفت: «که از سال ۱۹۹۱ تاکنون بودجه‌ی تدارکاتی ارتش ۱۵ برابر کاهش یافته‌است و اکثر تجهیزات نظامی ارتش فرسوده است و در صورت عدم چاره‌اندیشی، نیروهای مسلح کشور امکان دفاع از کشور را نخواهند داشت.»

وزیر دفاع روسیه اظهار داشت که منشا حوادث چچن تنها به برخی گروه‌های مسلح متعصب ختم نمی‌شود و رهبران تجزیه طلب در تصمیم‌های خود مستقل نیستند بلکه در پشت سر آنها نیروی متنفذی قرار دارد که در ختم جنگ ذی‌نفع نمی‌باشند. او اقدامات ژنرال لید را در پایان دادن به بحران چچن مثبت ارزیابی کرد و گفت: «که مسئله‌ی چچن امری سیاسی است و حل آن از طریق شیوه‌های سیاسی ممکن می‌باشد.»

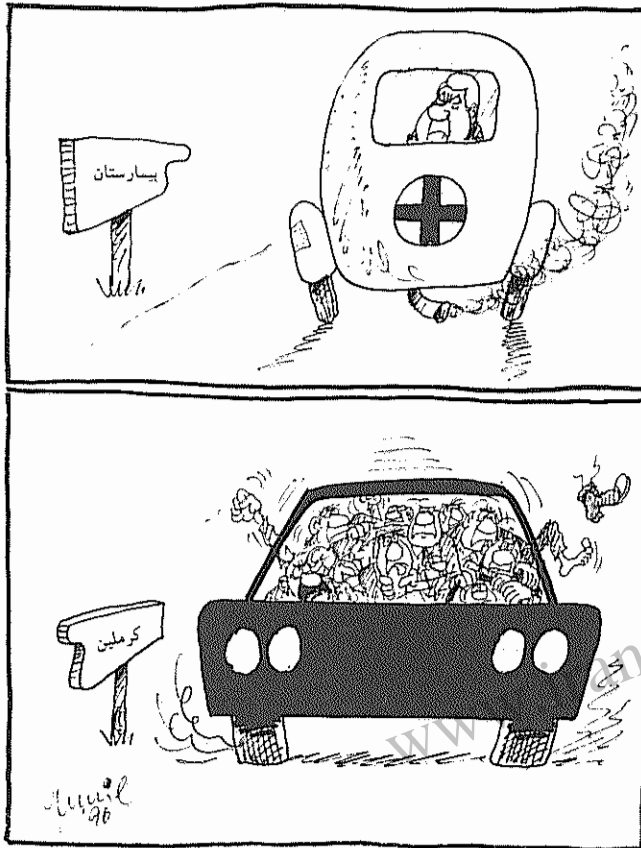
مسئول امور امنیت ملی قدرت را به دست می‌گرفتند. جنگ قدرت در کرملین مسئله‌ای است که در سطح جریان دارد. مسئله‌ی اصلی نه بیماری یلتسین، که بیماری است که جامعه روسیه به آن مبتلا است. قشر نو و ثروتمندی که تمامی اهرم‌های اقتصادی را در دست دارد و توسط قدرت‌مندان کرملین به تحکیم و قدرت آن‌ها یاری رسانده‌اند با یلتسین

داد: «من قصد ندارم هیچ قدرتی را به هیچ فردی منتقل کنم.» چرنومیردین بعد از انتخابات ریاست جمهوری، قدرتمندتر از آنچه پیش‌بینی میشد، نمایان شد و با در اختیار گرفتن بخشی از اختیارات یلتسین، این قدرت بیشتر خواهد شد. این امر برای حزب کمونیست روسیه و زیگناف خوش آیندتر از آن است که آناتولی ژوبیاس رئیس امور ریاست جمهوری و الکساندر لید

چند روز قبل از انجام عمل قلب یلتسین، او برخی از مسئولیت‌های خود را به چرنومیردین نخست وزیر روسیه منتقل کرد. در مدت غیبت یلتسین، چرنومیردین مسئولیت‌های امنیتی را که در حالت عادی زیر نظر یلتسین می‌باشند، به عهده خواهد داشت. اما کنترل سلاح‌های هسته‌ای هم چنان در دست یلتسین می‌ماند.

یلتسین که ۶۵ سال سن دارد، از بیماری قلبی رنج می‌برد. وی همچنین شدیداً به مشروبات الکلی معتاد است. غیبت‌های او را کرملین معمولاً با سرماخوردگی، گلودرد، ... و توصیف می‌کرد. قبل از برگزاری انتخابات دوره‌ی دوم ریاست جمهوری یلتسین از انظار غایب بود. فقط چند بار مدت کوتاهی در تلویزیون نشان داده شد. قانون اساسی روسیه، برای ریاست جمهوری اختیارات وسیع پیش‌بینی کرده‌است که در صورت مرگ او نخست‌وزیر تا سه ماه مسئولیت را به عهده دارد تا انتخابات را برگزار کند.

بعد از انتخابات پس از آن که یلتسین با کمک آرای طرفداران او در دوم به اکثریت دست یافته بود خواستار اصلاح در پست منسوخ شده‌ی معاونت رئیس جمهوری شد که با مقاومت چرنومیردین مواجه گردید. در صورت غیبت طولانی یلتسین، بعید به نظر می‌رسد که لید و چرنومیردین بتوانند با یکدیگر کار کنند. این دو رقیب سیاسی یکدیگر هستند. چندی پیش لید پیشنهاد کرد که پست وزارت و امنیت ملی که عهده‌دار آن است باید برخی وظایف اقتصادی را نیز در بر گیرد. وظایفی که به طور طبیعی چرنومیردین به عهده دارد. چرنومیردین در مقابل پرسش خبرنگاران در باره این موضوع جواب



## سازمان «سیا» در سرنگونی صدام حسین ناکام ماند

یکصد تن از ماموران «سیا» در اربیل اعدام شدند

سازمان «سیا» می‌خواست با همکاری گارد ریاست جمهوری

علیه صدام حسین کودتا کند

این مبلغ را صرف خرید اسلحه و اجیر کردن ماموران محلی بکند. بر اساس گزارش مطبوعات ترکیه تعداد افراد سازماندهی شده از سوی «سیا» دو هزار نفر بود. آنها که هم اکنون در شمال کردستان و جنوب ترکیه پراکنده شده‌اند، قرار بود در عملیات سرنگونی صدام حسین شرکت کنند. واشنگتن از ترکیه خواسته است برای جمع آوری این عده و اعزام آنها به آمریکا، کمک کند. دولت ترکیه در پایگاه نظامی اینچلیک که محل استقرار نیروهای ناتو است، بخشی را به همین منظور اختصاص داده است. روزنامه «حریت» نوشت که «دولت ترکیه از شنیدن خبر «ارتش مخفی» کرد دولت آمریکا» در منطقه دچار شوک شده است. ترک‌ها تعجب می‌کنند که چرا تاکنون «سیا» وجود چنین «ارتشی» را با آنها در میان نگذاشته است. شکست طرح کودتای سیا علیه صدام حسین، یکی از ضربات بی سابقه در تاریخ این سازمان است. تاکنون «سیا» دهها طرح کودتا و صدها قتل مخالفان آمریکا را سازمان دهی کرده است.

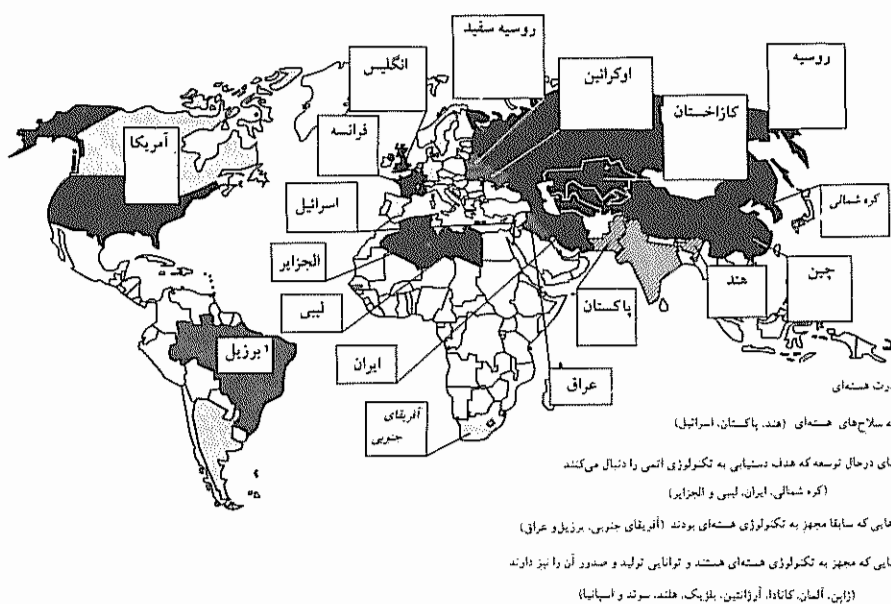
ماموران سازمان مخابرات عراق دو ماه پیش نیز شبکه دیگری از ماموران «سیا» را که از طریق اردن، عربستان سعودی و کویت سرگرم سازماندهی کودتا بودند، کشف کردند. در آن زمان «سیا» از انعکاس گسترده این خبر جلوگیری کرد.

به نوشته روزنامه «گاردین»، بیش از یکصد تن از نظامیان و مخالفان رژیم عراق که از طرف سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا «سیا» مأمور جلب ناراضیان و همکاری اعضای گارد ریاست جمهوری برای سرنگونی صدام حسین بودند، اعدام شده‌اند. این عده از اعضای کنگره ملی عراق بوده‌اند که با نفوذ عوامل امنیتی رژیم صدام شناسایی و دستگیر شدند. اعضای کنگره ملی که از حمایت سیا برخوردار بودند، پس از هجوم ارتش عراق به اربیل توسط ماموران سازمان امنیت «مخابرات» دستگیر شدند. با دستگیری آنها، عملیات «سیا» برای سرنگونی صدام شکست خورد.

طبق نوشته روزنامه لس آنجلس، مقامات آمریکایی کشف شبکه کودتا و اعدام تعدادی از اعضای آن را توسط دولت عراق تأیید کرده‌اند. اما صدها تن دیگر که در ۷ ماه گذشته مسلح شده بودند و به عضویت شبکه سرنگونی درآمده بودند، توانستند از چنگ ماموران امنیتی عراق بگریزند و وارد ترکیه شوند.

در ژانویه گذشته «جان دویج» رئیس سازمان «سیا» شخصاً به کلیتون تعهد داده بود تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، صدام حسین را سرنگون سازد. با موافقت کلیتون ۲۰ میلیون دلار در اختیار «سیا» گذاشته شده بود تا «سیا»

## نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرارداد منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای را تصویب کرد



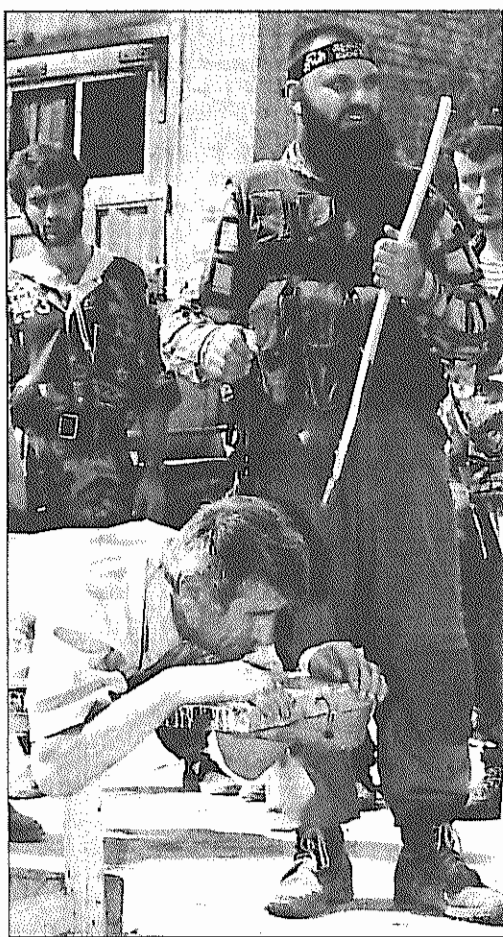
نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در روز سه شنبه ۹ سپتامبر پیشنهاد استرالیا در مورد منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای را تصویب کرد. نماینده دولت هندوستان در سازمان ملل بر مخالف خود با پیشنهاد فوق پافشاری کرد و گفت: تا زمانی که پنج قدرت اتمی جهان بر برنامه‌های هسته‌ای خود اصرار ورزند، دولت هند قرارداد منع آزمایش‌های هسته‌ای را امضا نخواهد کرد و بر «آپارتاید هسته‌ای» در جهان صحنه نخواهد گذاشت.

از اواخر ماه ژوئن ۶۱ عضو کنفرانس خلع سلاح در ژنو، در مذاکرات طولانی و بی‌فرجام، تلاش کردند که به یک توافق همگانی پیرامون منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای برسند. توافق ۴۴ کشوری که مجهز به تکنولوژی اتمی و یا برنامه اتمی هستند برای عملی کردن قرارداد منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای، ضروری است. در کنفرانس ژنو که پس از اعلام آمادگی دولت کلیتون در سال ۱۹۹۴ برای منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای آخرین مانع بر سر راه برگزاری این کنفرانس نیز به کنار گذاشته شد، دولت‌های هندوستان، مکزیک، مصر، سوئد، استرالیا، نیوزیلند و ایران بیشترین اصرار را برای محدود کردن برنامه‌های

پنج قدرت اتمی جهان داشتند. این اصرار با مقاومت جدی نمایندگان آمریکا و فرانسه در کنفرانس روبرو شد. نماینده چین در آغاز کار کنفرانس ژنو در یک مصاحبه مطبوعاتی ابراز کرد که در مذاکرات پنج قدرت اتمی جهان با یکدیگر او با مخالفت نمایندگان چهار قدرت دیگر روبرو

است. در ادامه کار کنفرانس ژنو و با فشارهای دیپلماتیک کشورهای فرانسه و بخصوص آمریکا از صفوف مخالفین تنها دولت هند بر مواضع قبلی خود اصرار ورزید و از موافقت کردن با قطعنامه پایانی در کنفرانس ژنو سر باز زد. پس از تصویب قرارداد منع

## گروسی: چهل ضربه شلاق به خاطر فروش الکل



شورشیان چچنی مردی را به جرم فروش الکل به چهل ضربه شلاق محکوم کردند. در عکس یک شورش چچنی با لباس ارتشی، ریش اسلامی و پیشانی بند مخصوص در حالی که چوب اجرای حکم را در دست داشته تنبیه می‌باشد. شورشیان به شهر که همزمان با خروج ارتش روسیه است، با اجرای حدود اسلامی همراه است.